

چشم‌انداز رشد اقتصادی
کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور

معاونت پژوهش‌های اقتصادی
دفتر: مطالعات اقتصادی

کد موضوعی: ۲۲۰
شماره مسلسل: ۱۵۱۶۶
آذرماه ۱۳۹۵

فهرست مطالب

چکیده	۱
مقدمه	۳
۱. وضعیت کنونی اقتصاد جهان و مؤلفه‌های تعیین‌کننده رشد اقتصادی	۴
۲. چشم‌انداز اقتصاد جهان از نگاه PWC	۱۲
۱-۲. ثبات اقتصاد کلان	۱۵
۲-۲. ساختار نهادی کارآمد	۱۵
۲-۳. بازبودن اقتصاد	۱۵
۲-۴. آموزش	۱۶
۳. چشم‌انداز رشد اقتصاد جهان از دیدگاه صندوق بین‌المللی پول	۱۶
۱-۳. سناریوهای جایگزین برای رشد اقتصاد جهانی پس از برگزیت	۱۸
۴. پیش‌بینی رشد اقتصاد جهانی توسط بانک جهانی	۲۲
۵. پیش‌بینی رشد اقتصاد جهان از سوی سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)	۲۶
۱-۵. پیش‌بینی نرخ رشد اقتصادی	۲۶
۲-۵. پیش‌بینی تحولات بازار و قیمت نفت در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷	۲۸
خلاصه و جمع‌بندی	۳۱
منابع و مأخذ	۳۴



چشم‌انداز رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور

چکیده

یافته‌های پژوهش‌های اخیر حوزه اقتصاد بین‌الملل نشان می‌دهد که در بلندمدت تغییرات شگرفی در موقعیت و رتبه‌بندی اقتصادهای برتر جهان به‌وقوع خواهد پیوست که نشانه‌های آن هم‌اینک پدیدار گشته است. مهمترین علائم این تحولات طی سال‌های اخیر نرخ رشد اندک کشورهای توسعه‌یافته OECD و G7، نرخ‌های رشد بالاتر کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور به‌ویژه BRIC می‌باشد. در نتیجه این تحولات پیش‌بینی می‌شود حداقل در نیمه اول قرن بیست‌ویکم مرکز ثقل اقتصاد جهان از غرب به شرق منتقل شود و فصل جدیدی در تاریخ اقتصاد کلان بین‌الملل آغاز گردد که در آن ترکیب ۱۰ قدرت برتر اقتصادی کاملاً متفاوت با وضعیت قرن بیستم خواهد بود. با توجه به اهمیت چشم‌انداز بلندمدت و میان‌مدت اقتصادی جهان و مناطق عمده و ضرورت پرداختن اجمالی به آن، در این نوشتار تأکید و تمرکز اصلی بر بررسی تحولات کوتاه‌مدت و چشم‌انداز اقتصاد جهان و مناطق مختلف آن در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ بوده است.

به همین منظور ضمن گردآوری مجموعه گسترده‌ای از مطالعات انجام شده درخصوص پیش‌بینی رشد اقتصاد جهان در سه مقطع کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت به تفکیک مناطق و کشورهای مهم توسعه‌یافته، نوظهور و در حال توسعه و بررسی آنها که هر یک متکی به مدل، مفروضات و سناریوهای خاصی می‌باشند، با توجه به پیشینه این مؤسسات و مراکز تحقیقاتی در تحلیل و ترسیم دورنمای اقتصادی جهان، گزیده‌ای از جامع‌ترین و قابل اعتمادترین بررسی‌های انجام شده در زمینه تبیین چشم‌انداز اقتصاد جهان ارائه شده است. تحلیل‌های این نوشتار مبتنی بر مطالعات اخیر مؤسسه PWC^۱، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و اوپک است.

در پیش‌بینی مؤسسه PWC که پیشینه خوبی در تحلیل روندهای نوظهور اقتصاد جهان و ترسیم چشم‌انداز آن در بلندمدت دارد، مؤلفه‌های متعددی از جمله تحولات جمعیتی، مدل‌های انباشت سرمایه و رشد بهره‌وری، روند رشد تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه و نقل‌وانتقال سرمایه در نظر گرفته شده‌اند. بر پایه نتایج بررسی‌های این مؤسسه، تولید ناخالص داخلی جهان در سال ۲۰۳۷ دو برابر ۲۰۱۴ و در سال ۲۰۵۰ نسبت به ۲۰۱۴ سه برابر خواهد شد. در افق ۲۰۵۰ چین، آمریکا و هند سه اقتصاد برتر جهان با فاصله قابل توجه نسبت به سایر کشورها خواهند بود و به ترتیب تولید ناخالص داخلی آنها

1. Price waterhouse Coopers

برحسب شاخص برابری نرخ ارز ۵۳، ۴۱ و ۲۷ تریلیون دلار خواهد بود. اقتصاد ایران که در سال ۲۰۱۴ برحسب شاخص برابری نرخ ارز در رتبه ۲۳ جهان بوده است، در سال‌های ۲۰۳۰ و ۲۰۵۰ در جایگاه بیست‌وهفتم و سی‌ام جهان خواهد بود.

در مطالعه صندوق بین‌المللی پول، رشد اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۶ معادل ۳/۱ درصد برآورد شده است که ۰/۱ درصد کمتر از پیش‌بینی قبلی این سازمان است. IMF کند شدن رشد اقتصادی چین، بحران‌های مالی برخی اقتصادهای نوظهور، خروج انگلستان از اتحادیه اروپا و تنش‌های اقتصادی بجامانده از رکود در اقتصادهای توسعه‌یافته را مهمترین علل کاهش نرخ رشد اقتصادی جهان برشمرده است. دلار قوی، کاهش تقاضای کل اقتصادهای توسعه‌یافته و قیمت‌های پایین نفت کاهش نرخ رشد اقتصادی را برای جوامع درحال توسعه به ارمغان آورده است. براساس بررسی IMF پیش‌بینی رشد اقتصاد جهانی برای سال ۲۰۱۷ قدری امیدوارکننده‌تر است و با رشد ۰/۳ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۶ به ۳/۴ درصد خواهد رسید. این سازمان رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۶ را ۳/۹۶ و برای سال ۲۰۱۷ حدود ۳/۷۴ درصد پیش‌بینی کرده است.

براساس مطالعه بانک جهانی نرخ رشد اقتصادی جهان برای سال ۲۰۱۶ معادل ۲/۴ درصد پیش‌بینی شد که ۰/۵ درصد کمتر از پیش‌بینی ماه ژانویه ۲۰۱۶ است. همچنین چشم‌انداز روشن و امیدوارکننده‌ای برای اقتصاد جهانی تا سال ۲۰۱۸ پیش‌بینی نمی‌شود. نرخ رشد اقتصاد جهانی برای سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ به ترتیب ۲/۸ و ۳ درصد پیش‌بینی شده که پایین‌تر از پیش‌بینی رشد اقتصادی جهان توسط صندوق بین‌المللی پول می‌باشد. رشد اقتصادی ایران برای سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ به ترتیب ۴/۴، ۴/۹ و ۴/۷ درصد پیش‌بینی شده است.

براساس پیش‌بینی‌های سازمان اوپک، رشد اقتصادی جهان از ۳/۶ متوسط درصد در دوره زمانی ۲۰۱۴-۲۰۲۰ به ۳/۳ متوسط درصد در سال در دوره زمانی ۲۰۳۰-۲۰۴۰ کاهش خواهد یافت. در عین حال رشد تقاضای انرژی نیز با یک روند کاهشی در دوره‌های موردنظر از ۱۰/۴ درصد به ۵/۳ درصد کاهش خواهد یافت. از دیدگاه اوپک عواملی نظیر میزان بالای بدهی‌های دولت و بخش خصوصی در بسیاری از اقتصادهای مهم، بازار کار ضعیف در حوزه یورو، پایین بودن نرخ تورم، نرخ رشد ضعیف در ژاپن، کندی روند افزایش نرخ رشد اقتصادی و تضعیف جریان سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای درحال توسعه و مشکلات ساختاری و نهادی در کشورهای درحال توسعه نقش مهمی در آهنگ ضعیف رشد اقتصاد جهان داشته و خواهد داشت.



در کنگره ملی خلق چین در پکن در مارس ۲۰۱۵، نخست‌وزیر چین لی کیانگ ضمن تأیید اینکه مشکلات عمیق در اقتصاد کشور در حال پدیدار شدن است، هدف رشد اقتصادی ۷ درصدی را اعلام کرد. سه ماه بعد و در گوشه دیگری از دنیا، در واشنگتن، بانک جهانی پیش‌بینی‌هایش از رشد اقتصاد جهان را کاهش داد و از ذخیره فدرال رزرو درخواست کرد تا تصمیم‌گیری در خصوص هرگونه افزایش نرخ بهره را به تعویق بیاندازد. در چنین شرایطی خروج انگلستان از اتحادیه اروپا نیز بر پیچیدگی اوضاع افزوده است. یکی از اقتصاددانان ارشد بانک جهانی اعلام کرد که «علامت کمر بند ایمنی روشن شده است. به ملت‌ها، به خصوص کشورهای در حال توسعه توصیه می‌کنیم تا کمر بندهای ایمنی خود را ببندند». بنابراین این سؤال جدی مطرح است که آیا در یک مسیر ناهموار قرار گرفته‌ایم؟ چقدر ناهموار؟ و برای چه مدتی؟

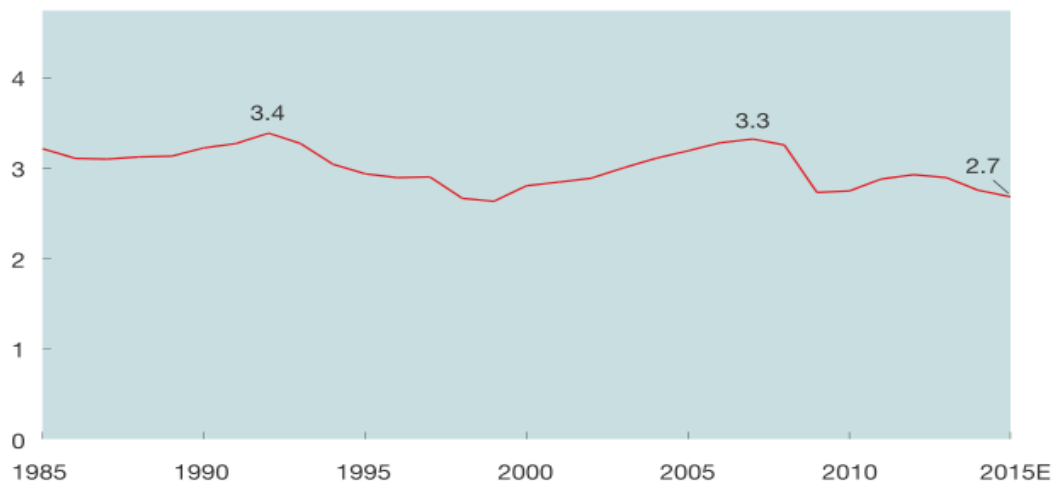
شوک‌های اقتصادی، از یونان تا چین و روسیه، نگرانی بیشتری را بر می‌انگیزد چرا که در سراسر جهان، تمام ابزارهای سنتی به کار گرفته شده‌اند و منابع مالی برای کمک به اقتصادها مصرف شده است. امروزه تصمیمات استراتژیک به شکل قابل توجهی مهم و تأثیرگذار بر هم هستند. شوک‌ها اجتناب‌ناپذیر هستند، اما استراتژی‌ها و سیاست‌های اقتصادی باید به دنبال راه‌هایی برای کشف نشانه‌هایی از دل وقایع باشند تا آنچه که پیش رو هست را پیش‌بینی کنند.

به اعتقاد برخی صاحب‌نظران سه عامل که به یکدیگر مرتبط هستند این قابلیت را دارند که اقتصاد جهان را در بلندمدت از مسیری به مسیر دیگر منتقل کنند. تقاضای کل، چالش‌های ساختاری و الگوهای رشد واگرا. نخست در کوتاه‌مدت به نظر می‌رسد اقتصادهای بزرگ تمام تلاش خود را معطوف دستیابی به رشد متکی به خود خواهند کرد. این مسئله علیرغم اتخاذ مشوق‌های مالی و پولی ادامه خواهد داشت. در مرحله دوم، اقتصادهای بزرگ جهان با چالش‌های ساختاری بلندمدت مواجه می‌شوند، که شامل افزایش بار بدهی‌ها، بالا رفتن سن جمعیت، ناکافی بودن و یا قدیمی ماندن زیرساخت‌ها می‌باشد. موفقیت و یا شکست در مواجهه با این چالش‌های ساختاری، سرعت رشد بلندمدت در این اقتصادها را تعیین می‌کند. سوم اقتصادهای بزرگ دنیا به شکل فزاینده‌ای در سال‌های اخیر واگرا شده‌اند. واگرایی اصلی مربوط به سیاست‌های پولی است. در حالی که اروپا به تشدید سیاست‌های انبساطی مشغول است، آمریکا به انقباضی کردن سیاست‌های خود فکر می‌کند. در سال‌های گذشته ادغام جهانی منجر به همگرایی شده بود. اما در حال حاضر در مورد چشم‌انداز همگرایی در آینده نمی‌توان چندان مطمئن بود. شوک مالی جهانی به دنبال سال‌ها رشد ضعیف اقتصادی و نابرابری‌های فزاینده پدید آمد. مسیری که بتوان به رشدی مستمر و با ثبات دست پیدا کرد کماکان پیدا نشده است.

۱. وضعیت کنونی اقتصاد جهان و مؤلفه‌های تعیین‌کننده رشد اقتصادی

بررسی روند تاریخی نرخ رشد واقعی اقتصاد جهانی طی دوره ۳۰ ساله ۱۹۸۵-۲۰۱۵ میلادی نشان می‌دهد که این شاخص از اواسط دهه ۱۹۸۰ به شکل قابل ملاحظه‌ای ثابت بوده است. متوسط نرخ رشد واقعی اقتصاد جهان طی این مدت بین ۳/۴ و ۲/۷ درصد در نوسان بوده است.

شکل ۱. روند نرخ رشد واقعی تولید ناخالص داخلی جهان (درصد)



*Including the following countries: Argentina, Australia, Brazil, Canada, China, France, Germany, India, Indonesia, Italy, Japan, Mexico, Russia, South Korea, Spain, Turkey, United Kingdom, and United States or their preceding entities as defined in Maddison. Extended data were not available for Saudi Arabia or South Africa.

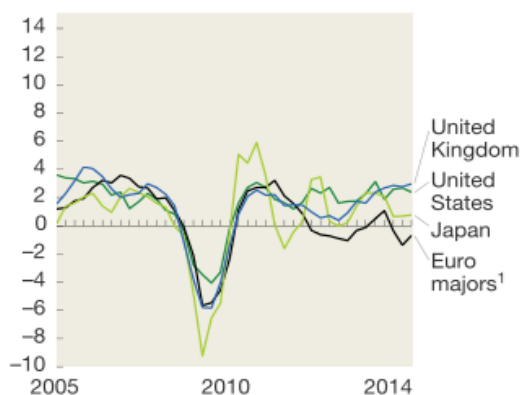
McKinsey&Company | Source: The Maddison Project, accessed April 2015

در حال حاضر اقتصادهای بزرگ جهان، چه توسعه‌یافته و چه در حال توسعه، به وضوح مسیرهای توسعه و آگرایی را تجربه می‌کنند، که در برخی موارد با چالش‌های غیرمنتظره‌ای مواجه می‌شوند. اقتصاد ایالات متحده روند ملایم و مطمئن بهبود را طی می‌کند؛ در منطقه یورو -با وجود بحران در یونان- مجدداً شاهد رشد شکننده هستیم. سیاستگذاران چین، مسیر خود را با احتیاط بین کاهش و افزایش سطح بدهی‌ها ادامه می‌دهند. در هند، رشد به واسطه پیش‌بینی‌هایی مبنی بر ایجاد اصلاحات شتاب گرفته است، در حالی که قیمت پایین نفت و تحریم‌های اقتصادی موجب انقباض در اقتصاد روسیه شده است.

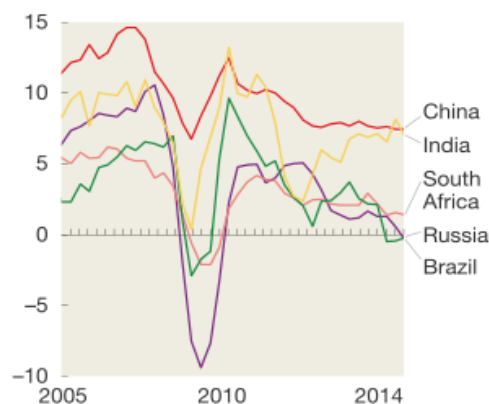


شکل ۲. روند گذشته نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی در اقتصادهای توسعه یافته و نوظهور

Real GDP growth in advanced economies, year over year, %



Real GDP growth in emerging economies, year over year, %



¹France, Germany, Italy, and Spain.

McKinsey&Company | Source: Haver Analytics

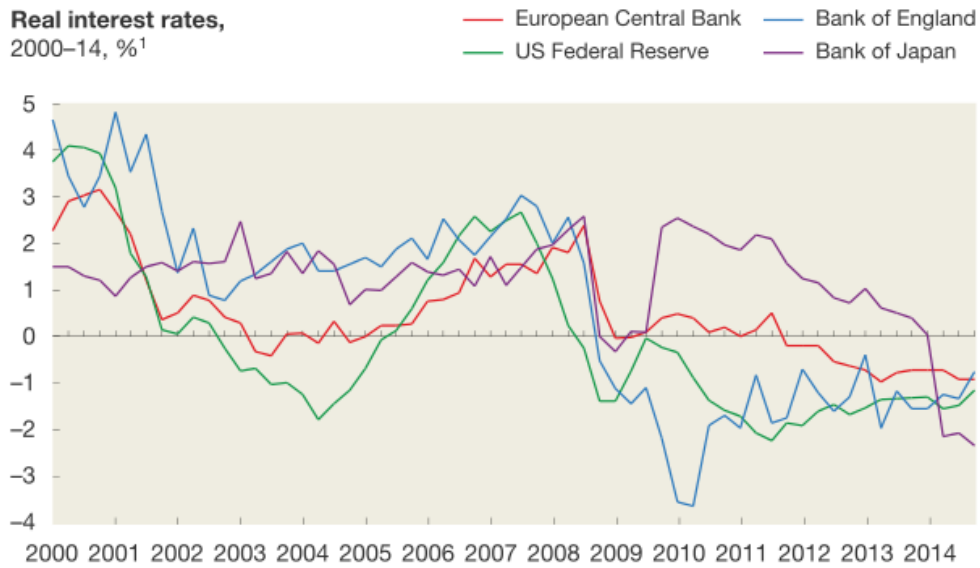
این توسعه‌ها ممکن است نشان‌دهنده بازگشت چرخه‌های تجاری کشوری باشد، که به دلیل رکود اقتصادی جهانی متوقف شده است. در عین حال ممکن است آثار متأخر آن بیانگر این باشد که نیروهای عمیق‌تری وجود دارند.

– تحریک تقاضای کل

یکی از اولین نگرانی‌ها مسئله دیرپای تقاضای کل ضعیف نسبت به ظرفیت‌های کل اقتصاد است. صندوق بین‌المللی پول تخمین زده است که تولید در ده اقتصاد بزرگ و پیشرفته دنیا در سال ۲۰۱۴ دو درصد کمتر از پتانسیل آن بوده است. این فاصله نسبت به سال ۲۰۰۹ کمتر شده است (۳/۳ درصد)، اما نسبت به اوایل دهه ۲۰۰۰ که ۰/۸ درصد بیشتر از پیش‌بینی‌ها بود، بدتر است. تمام اقتصادهای بزرگ جهان به غیر از چین پس از بحران مالی جهانی تقاضای بسیار ضعیف‌تری را تجربه کردند. بسیاری از دولت‌ها و بانک‌های مرکزی نسبت به این مسئله با محرک‌های پولی و مالی (پایین نگه داشتن نرخ بهره) واکنش نشان دادند. مؤسسه مکنزی عملکرد اخیر اقتصادهای پیشرفته را مرور کرده است و دریافته است که تمامی آنها سطوح بدهی مجموع خود را به‌جای کاهش، تا ۵۰ درصد افزایش داده‌اند.

آنچه وضعیت را پیچیده‌تر می‌کند این است که آیا نرخ بهره واقعی کماکان پایین باقی خواهد ماند؟ نرخ بهره پایین در طولانی‌مدت سرمایه‌گذاران را تشویق می‌کند تا در جستجوی فرصت‌های سرمایه‌گذاری پربازده و مطمئن باشند که این امر می‌تواند زمینه را برای ایجاد حباب‌های دارایی و نوسانات در جریان‌های مالی جهانی فراهم کند.

شکل ۳. روند گذشته نرخ بهره واقعی در اقتصادهای توسعه یافته



¹Policy rates less the rate of inflation in the GDP deflator.

McKinsey&Company | Source: Haver Analytics

نگرانی اقتصاددانان این است که سیاست‌های پولی غیرمتعارف اتخاذ شده، به جای آنکه تقاضا را تقویت کند آن را مخدوش کند. در ایالات متحده به‌عنوان مثال، فدرال رزرو به‌مدت چندین ماه اعلام کرد که در پایان سال ۲۰۱۵ نرخ بهره را افزایش خواهد داد، تا نرخ بهره را به میزان مرسوم قبلی بازگرداند. در حالت موقت نتایج قطعی نبودند و حالا ممکن است افزایش نرخ بهره بار دیگر به تعویق بیافتد. چالش‌های زمانبندی افزایش نرخ بهره که پیش روی فدرال رزرو قرار گرفت در زمان مقتضی در منطقه اروپا و ژاپن نیز مشاهده خواهد شد. تقاضا در بازارهای بزرگ به‌قدری ضعیف باقی مانده است که یک قدم اشتباه در هر کدام از آنها توسط دیگران احساس خواهد شد.

– تحولات بازار انرژی

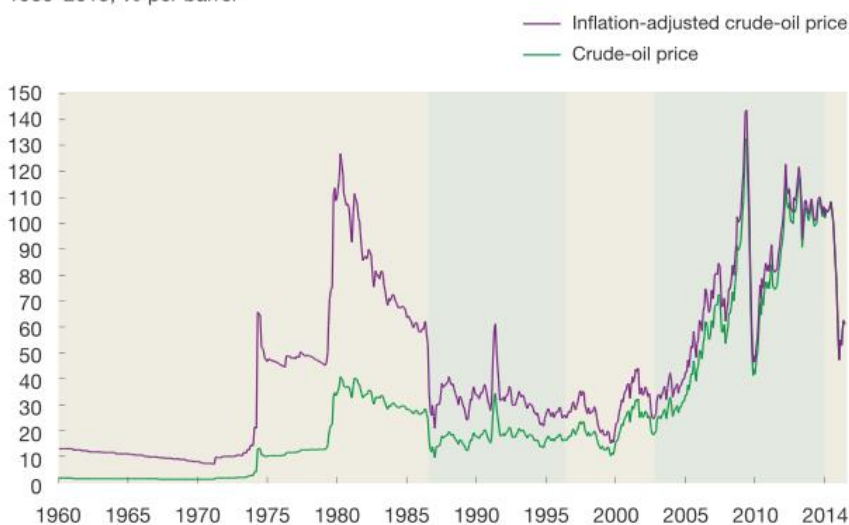
قیمت نفت در نیمه دوم ۲۰۱۴، ۵۰ درصد کاهش یافت. حتی پس از افزایش جزئی در ماه‌های بعد، باز هم کمتر از میانگین قیمت پنج سال گذشته باقی ماند. برای مصرف‌کنندگان انرژی، قیمت پایین انرژی فرصت مناسبی را فراهم آورد. تولیدکنندگان اما، با چالش کاهش ذخایر ارزی و کسری بودجه مواجه شدند. قیمت سربس‌ر نفت که درآمدهای دولت کفاف هزینه‌ها را خواهد داد، برای کویت ۵۷ دلار و برای الجزایر ۱۱۹ دلار تخمین زده شد. کشورها تاکنون بحران را با پایین آوردن سطح ذخایر و تغییرات نرخ ارز مدیریت کرده‌اند، اما این اقدامات کوتاه‌مدت هستند و برای بلندمدت باید چاره‌ای اساسی اندیشید. از سوی دیگر، کاهش در قیمت نفت، سرمایه‌گذاری در بخش‌های دیگر انرژی، به‌خصوص در بخش نفت و گاز نامتعارف را کند ساخته و شدیداً متأثر کرده است.



شدت انرژی جهانی در طول دهه‌های گذشته کاهش یافته است، بنابراین تغییرات در قیمت نفت در نقاط مختلف به شکل‌های متفاوتی احساس می‌شود. بهره‌وری انرژی در دهه اقتصاد بزرگ و پیشرفته در حال حاضر ۷۴ درصد این میزان در سال ۱۹۸۰ می‌باشد. در سایر اقتصادها اما این تصویر متفاوت است. به واسطه رشد قابل توجه اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور، بهره‌وری انرژی جهان بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۲، ۳۳ درصد افزایش یافته است.

شکل ۴. روند قیمت اسمی و واقعی نفت طی سال‌های گذشته

1960-2015, % per barrel¹



¹Based on World Bank crude-oil average and US Consumer Price Index re-referenced to 2014.

McKinsey&Company | Source: US Bureau of Labor Statistics; World Bank

در ارزیابی تأثیر نهایی تغییرات اخیر بازار انرژی، استراتژی‌ها به دنبال کشف آنچه در سال بعد رخ می‌دهد نیستند، بلکه می‌خواهند بفهمند در دهه آینده چه رخ خواهد داد. در طول سی سال گذشته تنها در دو مقطع، یکی در سال ۱۹۸۵ و دیگری در سال ۲۰۰۸ قیمت نفت به اندازه سال ۲۰۱۴ پایین آمد. ارزیابی‌های انجام شده در این دو مقطع بسیار متفاوت بوده و می‌تواند برای امروز آموزنده باشد. در سال ۱۹۸۵، ظرفیت تولید اضافی منجر به قیمت‌های ثابت برای نزدیک به یک دهه پس از کاهش اولیه قیمت شد. کاهش قیمت در ۲۰۰۸ نیز بخشی از بحران مالی بود که در پی آن قیمت‌ها با شتاب زیادی کاهش یافت و سپس با بازگشت تقاضا به سرعت به جای خود بازگشتند، مخصوصاً در بازارهای در حال توسعه. ضعف مداوم تقاضا و کاهش قیمت نفت جزء تیرهای روزانه هستند، اما آثار در کنار هم می‌تواند به نتایج اقتصادی دیگری برای دهه بعد منجر شود. اما آنچه بر پیچیدگی موضوع می‌افزاید این است که نیروهای عمیق‌تری در کار می‌باشند.

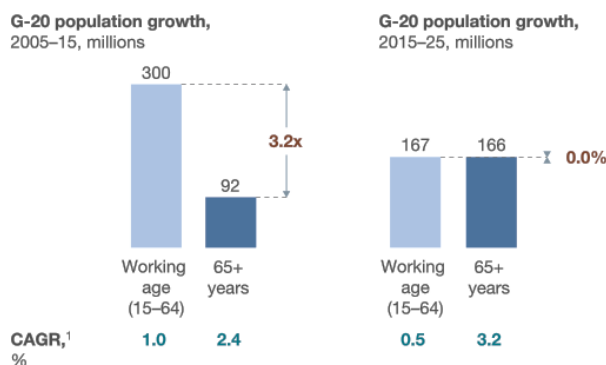
برخلاف تأثیر تحریک تقاضا و تغییرات بازار انرژی، تأثیرات شهری‌سازی و سالخوردگی قابل پیش‌بینی هستند. افزایش تراکم شهری و سالخوردگی نیروی کار مسائلی را از قبیل کاهش تولید، افت تقاضا و افزایش نیاز با خدمات درمانی و حقوق بازنشستگی را بر تمام اقتصادها تحمیل می‌کند.

تمام اقتصادهای نوظهور با سرعت بی‌سابقه‌ای در حال شهری شدن هستند. جمعیت‌های روستایی به افزایش فرصت‌های صنعتی و رشد سریع صنایع واکنش مثبت نشان می‌دهند و اهمیت اقتصادی شهرها در اقتصاد جهانی در حال افزایش است. تحقیقات مکنزی نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۲۵، ۴۶ شهر از ۲۰۰ شهر بزرگ دنیا در چین خواهد بود، که نشانه‌ای از انتقال مرکز ثقل اقتصاد جهانی به سمت شرق است. برای شناخت چالش شهری‌سازی که چین با آن روبرو است، دولت این کشور با سرعت حیرت‌انگیزی در حال حرکت به سمت اهداف اقلیمی خود است، چرا که آلودگی حاصل از تولید برق به روش قدیمی [استفاده از سوخت‌های فسیلی] و ساخت کارخانجات باعث ایجاد اختلال در کیفیت زندگی مناطق شهری شده است. هندوستان هم با چالش‌های شهری مشابه و شدیدی مواجه است اما هنوز همچون چین اقدامات اساسی و تصمیمات لازم در این خصوص را اتخاذ نکرده است.

جمعیت نیروی کار که فعالیت اقتصادی به آن وابسته است، هم پیر و هم کم شده است. انتظار می‌رود که تا سال ۲۰۵۰، درحالی که اقتصاد چین توسعه می‌یابد، ۱۱ درصد نیز کاهش جمعیت داشته باشد. این کاهش نیروی کار در قاره اروپا به مراتب چشمگیرتر است. زیرا طول عمر در حال افزایش و نرخ زادوولد در حال کاهش است. همچنین، جمعیت کاری پیر در اقتصادهای پیشرفته و نوظهور حتی باعث افزایش تعداد بیشتری از بازنشسته‌ها می‌شود. در میان اقتصادهای بزرگ، فقط ایالات متحده است که نسبت به رشد اقتصادی بلندمدت خود، ترکیب جمعیتی مطلوبی دارد. بدون تغییرات بنیادی اقتصادی و فرهنگی، که متکی به ادامه همکاری کارگران پیر و استفاده از کارگران زن بیشتر و نیروی کاری مهاجر می‌باشد، اقتصادهای بسیاری در ظرف ۱۰ سال آینده با محدودیت‌های جدی مواجه می‌شوند.



شکل ۵. روند رشد جمعیت در ۲۰ اقتصاد برتر جهان تا سال ۲۰۲۵



¹Compound annual growth rate.

McKinsey&Company | Source: McKinsey Global Growth Model, April 2015

برای ترسیم چشم‌انداز اقتصاد جهان در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت مباحث مختلفی مطرح است. آیا رشد ضعیف در اقتصادهای پیشرفته منجر به کاهش انگیزه برای ایجاد بازارها و بخش‌های حساس سیاسی خواهد شد؟ تا چه اندازه کمبود زیرساخت یا عوامل محدودکننده بازار مانع رشد در کشورهای در حال ظهور خواهند شد؟ چگونه کاهش قیمت‌ها سبب پیچیده شدن امور برای گسترش اقتصادهای کالامحور خواهد شد؟ عوامل بلندمدت نظیر شهرنشینی، پیری، نوآوری در فناوری و ... چه تأثیری از خود برجای خواهند گذارد؟

در میان مجموعه عوامل مؤثر بر اقتصاد جهانی در کوتاه‌مدت، وضعیت اقتصادی ایالات متحده و ژاپن به‌عنوان اولین و سومین اقتصاد جهان و دو اقتصاد برتر توسعه‌یافته و چین به‌عنوان اقتصاد دوم جهان و مهمترین اقتصاد نوظهور بیشترین نقش را ایفا خواهد کرد.

اقتصاد آمریکا به‌عنوان اولین اقتصاد جهان، در سال‌های اخیر روند بهبود و افزایش نرخ رشد اقتصادی، کاهش نرخ بیکاری و خروج از بحران را طی کرده است. در سه ماهه سوم سال ۲۰۱۶ در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۲/۹ درصد رشد داشت که بالاترین نرخ رشد فصلی در مقیاس سالیانه از سال ۲۰۱۴ تاکنون محسوب می‌شود. در سه ماهه سوم سال جاری، اقتصاد آمریکا در مقایسه با سه ماهه دوم ۱/۵ درصد رشد کرد. بررسی رشد بیش از انتظار سه ماهه سوم در بخش‌های مختلف در مقایسه با مدت مشابه سال قبل نشان می‌دهد، نرخ رشد مصرف خصوصی ۲/۱ درصد، سرمایه‌گذاری خصوصی ۳/۱ درصد، صادرات ۱۰ درصد و هزینه‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری دولت ۰/۵ درصد افزایش داشته است. سفارشات کالاهای بادوام در سه ماهه سوم سال ۲۰۱۶ در بالاترین سطح در سال ۲۰۱۶ بوده‌اند که این امر نشان‌دهنده بهبود در سطح کلی اعتماد در اقتصاد این کشور است. افزایش قابل توجه سرمایه‌گذاری خصوصی نشانه دیگری بر افزایش اعتماد حتی در بین تولیدکنندگان است. رشد ۱۰ درصدی صادرات آمریکا با وجود افزایش ارزش دلار در ماه‌های گذشته بسیار مطلوب ارزیابی شده است.

این درحالی است که روند رشد اقتصاد با همین قوت در سه ماهه چهارم با تردید روبرو است. شاخص فصلی قیمت مصرف‌کننده از ۲ درصد در سه ماهه دوم به ۱/۴ درصد در سه‌ماهه سوم کاهش یافته است. وضعیت اقتصادی ژاپن طی چند سال اخیر چندان مساعد نبوده و همواره در نوسان بوده و در دو سال اخیر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی آن روندی نزولی داشته است. ین قوی و کاهش تقاضا در کشورهای شریک تجاری ژاپن باعث شد برای دوازدهمین ماه پیاپی صادرات این کشور در دوازده ماه منتهی به اوت ۲۰۱۶ نسبت به دوره مشابه سال قبل حدود ۹/۶ درصد کاهش یابد. این رقم دو برابر کاهش مورد انتظار بود. همچنین برای بیستمین ماه متوالی واردات این کشور با کاهش روبرو شد. به‌طوری که در دوازده ماه منتهی به اوت ۲۰۱۶ نسبت به مدت مشابه سال قبل، واردات این کشور ۱۷/۳ درصد کاهش یافت. از آنجا که کاهش حجم صادرات به مراتب بیشتر از افت واردات بود.

بانک مرکزی ژاپن نرخ بهره منفی ۰/۱ درصدی خود را حفظ کرد. این بانک برای دستیابی به هدف تورمی ۲ درصدی، اقدام به تغییر رویه سیاست‌های انبساطی خود نمود. به این ترتیب به‌جای هدف قرار دادن پایه پولی، تلاش خواهد کرد از طریق خرید اوراق قرضه دولتی بلندمدت، ضمن کنترل منحنی بازده اوراق قرضه، نرخ بازده اوراق قرضه ده‌ساله را در محدوده نزدیک به صفر نگه دارد.

تداوم روند رشد اقتصادی نزولی چین که از سال ۲۰۱۰ آغاز شده است مانع از افزایش قیمت‌ها در آینده نزدیک خواهد شد. افزایش دوره‌ای واردات کالا به چین باعث بهبود موقتی قیمت کالاها می‌شود. این شرایط ممکن است با اتخاذ تدابیری از سوی دولت چین از جمله افزایش اعتبار، ادامه حمایت از تقاضای پایه و سرمایه‌گذاری سفته‌بازانه در بخش کالاها در چین تا پایان سال ۲۰۱۶ ادامه یابد. از آنجا که این سیاست‌های تشویقی اثر چندانی بر ویژگی ساختار رکود اقتصادی چین نخواهند داشت. تا پایان سال ۲۰۱۶ مصرف کالاها با ادامه تنزل ارزش یوان و احتمال فروپاشی جریان‌های سفته‌بازانه داخلی در بورس‌های کالای چین طی ماه‌های آینده تشدید خواهد شد.

یکی از مهمترین دلایل شکل‌گیری این دیدگاه که سرعت افزایش قیمت مجموعه کالاها در سال ۲۰۱۶ پایدار خواهد بود، ماهیت زودگذر بودن محرک‌های اقتصادی چین برای قیمت کالاهاست. هر چند باورها بر این است که قیمت کالاها به‌طور کلی در پایان ۲۰۱۶ به بالاتر از سطح کنونی خواهد رسید، اما انتظار می‌رود در اکثر ماه‌های باقیمانده از سال، تثبیت شده و نتایج حاصل از آن نسبت به مدت ژانویه تا آوریل با سرعت بسیار کمتری ظاهر شود.

برخلاف اواخر سال ۲۰۱۵ که نگرانی‌ها درباره کاهش تدریجی رشد اقتصادی چین، قیمت کالاها را به شدت تحت تأثیر قرار داد، اطلاعات مربوط به رشد اقتصادی چین تأثیر مثبتی بر قیمت کالاها در سال ۲۰۱۶ داشته است. استحکام نسبی فعالیت‌های اقتصادی چین عمدتاً از به‌کارگیری برخی تدابیر محرک از سوی دولت ناشی می‌شود که عبارتند از:



- رفع محدودیت‌های بازار ملک

کاهش میزان حداقل پیش‌پرداخت برای خرید املاک در ماه ژانویه باعث شد فروش سطح کل زیربنا در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۱۶ با رشد ۳۳/۱ درصدی نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۱۵ به ۲۴۳ میلیون مترمکعب در سراسر کشور افزایش یابد.

- تسریع در روند سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های دولتی

کل هزینه‌های دولت در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۱۶ نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۵/۴ درصد رشد داشته که بسیار بالاتر از نرخ تغییر سالیانه ۶/۵ درصدی پیش‌بینی شده برای کل درآمدهای دولتی در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۱۶ بود.

- تأمین اعتبار

رشد کل سرمایه‌گذاری در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۱۶، با سرعت بالای ۴۰/۸ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته حاکی از آن است که یک محرک مثبت اعتباری برای پشتیبانی از فعالیت‌های اقتصادی مورد نیاز بوده است. احتمال می‌رود تثبیت اقتصادی چین در نیمه دوم سال ۲۰۱۶ نیز ادامه یافته و طی ماه‌های آینده رشد مثبت نیز داشته باشد. البته اقتصاد چین از روند بلندمدت‌کننده رشد اقتصادی باز نخواهد گشت، زیرا همه عوامل ساختاری که در مورد پتانسیل رشد اقتصادی چین مورد اشاره قرار گرفت، همچنان به قوت خود باقی است. درحقیقت محرک کوتاه‌مدت می‌تواند حتی شیب نزولی بیشتری به رکود اقتصادی بدهد. رشد اعتبارات در چین همچنان از رشد ناخالص داخلی اسمی در این کشور پیش افتاده و این موضوع نشان می‌دهد که نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی افزایش بیشتری یافته است. تداوم افزایش سطح کل بدهی، ریسک‌های مالی بزرگ‌تری به اقتصاد چین تحمیل کرده و رشد اقتصادی بلندمدت این کشور را تحت تأثیر قرار منفی خود قرار خواهد داد.

همانند سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵، بار دیگر بخش‌های ساخت‌وساز، املاک و فولاد با کاهش رشد مواجه خواهند شد. انتظار می‌رود تا پایان سال ۲۰۱۶ به‌ویژه در بخش‌های صنعتی دارای ظرفیت مازاد که در اختیار بنگاه‌های اقتصادی وابسته به دولت هستند، موجی از عدم پرداخت بدهی‌ها به‌وجود آید. براساس گزارش اداره ملی آمار چین، ۳۰ درصد از بنگاه‌های اقتصادی دولتی در سال ۲۰۱۵ با عدم سودآوری مواجه بودند که در مقایسه با رقم ۲۰ درصد سال ۲۰۱۱ این موضوع تشدید شده است.

تضعیف ارزش یوان نیز طی ماه‌های باقی مانده از سال ۲۰۱۶ مانع بهبود قیمت کالاها خواهد شد. پس از تثبیت یوان در برابر دلار در حال تضعیف آمریکا در ماه‌های اخیر به‌نظر می‌رسد یوان بار دیگر تضعیف شود.

۲. چشم‌انداز اقتصاد جهان از نگاه PWC

مؤسسه PWC^۱ پیشینه خوبی در تحلیل روندهای نوظهور اقتصاد جهان و ترسیم چشم‌انداز آن در بلندمدت دارد. در پیش‌بینی چشم‌انداز اقتصاد جهان توسط PWC مؤلفه‌های متعددی در نظر گرفته شده‌اند که تحولات جمعیتی، مدل‌های انباشت سرمایه و رشد بهره‌وری، روند رشد تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه و نقل و انتقال سرمایه از آن جمله هستند.

بر پایه مطالعات انجام شده، اقتصاد جهان طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۵۰ به‌طور متوسط سالیانه ۳ درصد رشد خواهد داشت. تولید ناخالص داخلی جهان در سال ۲۰۳۷ دو برابر ۲۰۱۴ و در سال ۲۰۵۰ نسبت به ۲۰۱۴ سه برابر خواهد شد. یافته‌های اخیر نشانگر تنزل جایگاه اقتصادهای برتر کنونی و ارتقای رتبه اقتصادهای نوظهور است.

مرکز ثقل اقتصاد جهانی در حال چرخش از آمریکای شمالی، اروپای غربی و ژاپن به سمت چین، هند، روسیه، برزیل و سایر کشورهای حوزه آسیا و به تعبیری از جوامع توسعه‌یافته به مناطق در حال توسعه است. پیش‌بینی می‌شود تولید ناخالص داخلی چین برحسب شاخص برابری نرخ ارز در سال ۲۰۲۸ از آمریکا پیشی گیرد. براساس همین شاخص در افق ۲۰۵۰ چین، آمریکا و هند سه اقتصاد برتر جهان با فاصله قابل توجه نسبت به سایر کشورها خواهند بود و به‌ترتیب تولید ناخالص داخلی آنها ۵۳، ۴۱ و ۲۷ تریلیون دلار خواهد شد.

شاید پیش‌بینی تحولات آینده مطابق جدول فوق، عجیب و غیرمحمتمل به‌نظر برسد؛ اما شواهد و قرائن و روندهای نوظهور حاکی از تحولات جدی در عرصه اقتصاد بین‌الملل طی دهه‌های آتی است. با نگاهی به گذشته و سیر تحولات ۵ دهه اخیر می‌توان این ادعا را تصدیق کرد. ۵۰ سال پیش وقتی ژاپن و آلمان با بازسازی اقتصادی آسیب‌های گسترده و بسیار سنگین جنگ جهانی دوم دست به گریبان بودند، شاید تصور جایگاه این دو کشور در بین سه کشور ممتاز و برتر اقتصاد جهان در آستانه هزاره سوم بسیار دشوار می‌نمود. نمونه دیگر، کره جنوبی است که ۳۰ سال پیش به‌عنوان یک کشور با درآمد کم در آغاز راه توسعه خود قرار داشت، درحالی که هم‌اکنون به جمع کشورهای تازه صنعتی شده پیوسته و در رتبه سیزدهم اقتصاد جهانی قرار دارد.



جدول ۳۰.۱ اقتصاد برتر جهان در مقاطع زمانی ۲۰۱۴، ۲۰۳۰ و ۲۰۵۰ میلادی

رتبه	۲۰۱۴		۲۰۳۰		۲۰۵۰	
	کشور	ارزش	کشور	ارزش	کشور	ارزش
۱	آمریکا	۱۷,۴۱۶	چین	۲۶۶۶۷	چین	۵۳۵۵۳
۲	چین	۱۰,۳۵۵	آمریکا	۲۵۴۵۱	آمریکا	۴۱۳۸۴
۳	ژاپن	۴,۷۷۰	هند	۷۳۰۴	هند	۲۷۹۳۷
۴	آلمان	۳,۸۲۰	ژاپن	۵۹۹۴	اندونزی	۸۷۴۲
۵	فرانسه	۲,۹۰۲	آلمان	۴۷۳۴	برزیل	۸۵۳۴
۶	انگلستان	۲,۸۴۸	برزیل	۴۰۵۶	ژاپن	۷۹۱۴
۷	برزیل	۲,۲۴۴	انگلستان	۳۹۰۸	مکزیک	۷۰۸۷
۸	ایتالیا	۲,۱۲۹	فرانسه	۳۶۶۳	روسیه	۶۶۱۰
۹	روسیه	۲,۰۵۷	روسیه	۳۳۲۳	نیجریه	۶۳۵۴
۱۰	هند	۲,۰۴۸	مکزیک	۲۸۸۱	آلمان	۶۳۳۸
۱۱	کانادا	۱,۷۹۴	اندونزی	۲۶۶۰	انگلستان	۵۷۴۴
۱۲	استرالیا	۱,۴۸۳	ایتالیا	۲۶۳۸	فرانسه	۵۲۰۷
۱۳	کره جنوبی	۱,۴۴۹	کره جنوبی	۲۵۵۷	عربستان سعودی	۴۴۸۱
۱۴	اسپانیا	۱,۴۰۰	کانادا	۲۳۹۱	ترکیه	۴۳۵۴
۱۵	مکزیک	۱,۲۹۶	اسپانیا	۲۰۷۷	کره جنوبی	۴۱۴۲
۱۶	هلند	۸۸۰	عربستان سعودی	۲,۰۴۸	ایتالیا	۳۶۱۷
۱۷	اندونزی	۸۵۶	استرالیا	۲,۰۰۹	کانادا	۳۵۸۳
۱۸	ترکیه	۸۱۳	ترکیه	۱,۸۲۲	اسپانیا	۳۰۹۹
۱۹	عربستان سعودی	۷۷۸	نیجریه	۱,۷۵۶	استرالیا	۲۹۰۳
۲۰	نیجریه	۵۹۴	لهستان	۱,۱۶۱	مصر	۲۸۹۶
۲۱	لهستان	۵۵۲	هلند	۱,۱۲۸	فیلیپین	۲۷۴۷
۲۲	آرژانتین	۵۳۶	تایلند	۹۹۰	پاکستان	۲۷۲۷
۲۳	ایران	۴۰۳	مالزی	۹۳۰	مالزی	۲۶۷۶
۲۴	کلمبیا	۴۰۰	آرژانتین	۹۲۶	تایلند	۲۶۵۸
۲۵	تایلند	۳۸۰	کلمبیا	۹۲۲	ویتنام	۲۵۵۵
۲۶	آفریقای جنوبی	۳۴۱	فیلیپین	۸۴۸	آفریقای جنوبی	۲۵۲۱
۲۷	مالزی	۳۳۷	ایران	۸۴۸	کلمبیا	۲۴۸۵
۲۸	فیلیپین	۲۹۰	مصر	۸۰۶	بنگلادش	۲۴۵۰
۲۹	مصر	۲۸۵	آفریقای جنوبی	۷۶۷	لهستان	۲۴۲۲
۳۰	پاکستان	۲۳۳	پاکستان	۷۲۹	ایران	۲۲۴۳

Source: IMF WEO database for 2014 estimates. PWC projections for 2030 and 2050

تجربه تاریخی نشان داده است که پیش‌بینی آینده اقتصاد جوامع و اقتصاد بین‌الملل در مقاطع طولانی همواره با سطحی از عدم اطمینان همراه است و هر قدر افق زمانی پیش‌بینی دورتر گردد، میزان این عدم اطمینان و خطا بیشتر خواهد شد.

اتخاذ راهبردها و سیاست‌های صحیح و هدفمند اقتصادی جهت دستیابی به رشد پایدار مستلزم سپری شدن زمان و انجام مطالعات گسترده و برنامه‌ریزی آینده‌نگرانه است. در کشورهای در حال توسعه

پتانسیل و قابلیت بیشتری برای رشد و دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالاتر در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد. علت این امر دو نکته است، نخست اینکه در کشورهای در حال توسعه در فرآیند تولید کمتر از عامل سرمایه در مقایسه با نیروی کار استفاده می‌شود و با افزودن عامل سرمایه، میزان رشد اقتصادی بهبود چشمگیری می‌یابد. دوم اینکه کشورهای در حال توسعه از امکان دسترسی به تکنولوژی‌های مورد استفاده در جوامع صنعتی برخوردارند که نقش بسزایی در رشد اقتصادی آنان ایفا می‌کند.

بر اساس مبانی نظری علم اقتصاد با استفاده تدریجی از ظرفیت‌های توسعه اقتصادی در جوامع در حال توسعه نرخ رشد آهنگ کندتری به خود می‌گیرد و با نزدیک‌تر شدن به وضعیت اشتغال کامل و تعادل بلندمدت به تدریج نرخ رشد کاهش یافته و به مقدار متوسط جوامع صنعتی نزدیک می‌گردد. به‌عنوان مثال، ژاپن و آلمان طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ رشد اقتصادی بالایی را تجربه کردند و به تدریج در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ از میزان نرخ رشد اقتصادی این دو کشور کاسته شد. تجربه مشابه دیگر اقتصاد چین است که رشد اقتصادی بالای ۱۰ درصد را از اوایل دهه ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۱۰ حفظ نمود، اما در چند سال اخیر نرخ رشد آن به حدود ۶ تا ۷ درصد تنزل کرده است.

با تکیه بر مبانی نظری الگوهای رشد اقتصادی، در مدل‌های پیش‌بینی اقتصاد کشورهای BRIC، عوامل مهمی همچون ثبات اقتصاد کلان، برخورداری از ساختار نهادی مناسب، درجه بازبودن اقتصاد توسعه آموزش به‌عنوان الزامات رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات تأثیرگذار رابرت بارو^۱ در مورد رشد اقتصادی نشان داد که رشد اقتصادی در نتیجه ارتقای سطح تحصیلات، افزایش امید به زندگی، کاهش نرخ زادوولد و کاهش هزینه‌های دولت، حمایت از قوانین و مقررات، کاهش تورم و بهبود رابطه مبادله، افزایش می‌یابد.^۲ نکته قابل توجه ارتباط میان تمامی این سیاست‌هاست، به‌طوری که وجود سازوکار و ساختار مناسب نهادی برای اجرای سیاست‌های اقتصادی با ثبات امری ضروری می‌باشند، همچنین ثبات اقتصاد کلان برای توسعه تجارت حیاتی است. ضمن اینکه بدون ثبات قیمت‌ها یک کشور به‌ندرت در خصوصی‌سازی و توسعه تجارت موفق می‌شود. در مطالعات انجام شده نقش و جایگاه الزامات چهارگانه ذیل به‌طور ویژه مورد توجه قرار گرفته‌اند:^۳

1. Robert Barro
2. Jim O'Neill, 2007, P 55.
3. Ibid, P 56.



۲-۱. ثبات اقتصاد کلان

وجود شرایط بی‌ثبات کلان اقتصاد، می‌تواند از طریق اختلال در قیمت‌ها و سلاقی، مانع رشد اقتصادی شود. ضمن اینکه تورم با غیرجذاب کردن پس‌انداز و سرمایه‌گذاری آثار منفی بر رشد به جای می‌گذارد. در نتیجه تمرکز اساسی بر ثبات قیمت‌هاست که نتیجه کاهش کسری بودجه دولت، سیاست‌های انقباضی پولی و واقعی‌سازی نرخ ارز حاصل می‌گردد. در میان اقتصادهای نوظهور شاخص‌های اقتصاد کلان در نتیجه اتخاذ سیاست‌های مختلف، وضعیت متفاوتی داشته‌اند. در طول دهه ۱۹۹۰، برزیل با متوسط نرخ تورم ۵۴۸ درصدی و کسری بودجه معادل ۲۱/۲ درصد GDP مواجه بوده است، در حالی که در همین دوره، چین تورم ۸ درصدی و کسری بودجه‌ای معادل ۲/۳ درصد GDP داشته است. تورم پایین، سیاست‌های حمایتی دولت، وضع مالی خوب دولت و یک نرخ ارز مدیریت شده، همه می‌تواند به بهبود رشد اقتصادی کمک کند. هر کدام از اقتصادهای نوظهور در چند دهه گذشته دچار یک دوره بی‌ثباتی اقتصاد کلان بوده‌اند و در برخی هنوز چالش‌های قابل توجه کلان نیز وجود دارد. برای مثال برزیل از ناپایداری مالی دولت و استقراض‌های خارجی به شدت زیان دیده است.

۲-۲. ساختار نهادی کارآمد

ساختارهای نهادی شامل سیستم حقوقی، ساختار بازارهای موجود، سیستم‌های آموزشی و بهداشتی، نهادهای مالی و بوروکراسی دولتی می‌باشند. نهادها، کارآیی یک اقتصاد را همانند تکنولوژی تحت تأثیر قرار می‌دهد. نهادهای کارآتر، دستیابی یک اقتصاد به سطوح تولید مشابه با عوامل اولیه کمتر را ممکن می‌سازد. ساختار نهادی نامناسب انگیزه‌های کمتری برای اشتغال، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز ایجاد می‌کند. مطالعات اخیر نشان می‌دهد که یکی از مهمترین دلایل ناکامی سیاست‌های اقتصادی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه ضعف ساختار نهادی می‌باشد. هر کدام از کشورهای BRIC احتمالاً با چالش‌های قابل توجهی در توسعه سیاسی در دهه‌های آینده مواجه خواهند شد. برای برخی از آنها (به‌ویژه روسیه) اصلاح ساختارهای قانونی تأثیر زیادی در عملکرد رشد اقتصادی کنونی آنها داشته است.

۲-۳. بازبودن اقتصاد

آزادی تجارت و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) می‌تواند واردات نهادهای تولید، تکنولوژی نوین و بازارهای بزرگ‌تر را در پی داشته باشد. مطالعات تجربی تجارت و رشد در سه مقوله گنجانده می‌شوند: نخست مطالعات کشوری که پیامدهای سیاسی و اقتصادی سیاست‌های جایگزینی واردات و توسعه صادرات را تبیین و تشریح می‌کنند.^۱

1. Jim O'Neill, 2007, P 46.

دوم تعدادی زیادی از مطالعات از داده‌های مقطعی یا پانل برای تخمین رابطه بین باز بودن اقتصاد و رشد اقتصادی در کشورهای مختلف استفاده می‌کنند. این مطالعات نتایج متفاوتی ارائه کرده‌اند اما در کل وجود رابطه‌ای مثبت بین باز بودن اقتصاد و رشد اقتصادی را نشان داده‌اند. سوم آن دسته از مطالعات بخشی می‌باشند که تأثیرات سیاست‌های تجاری را روی اشتغال، میزان سود، بهره‌وری و تولید اقتصاد خرد (در سطح بنگاه) مورد بررسی قرار می‌دهد. در مجموع، مطالعات انجام شده بر تأثیرات آزادسازی تجاری بر بهبود بهره‌وری اجماع دارند. کشورهای BRIC در حال حاضر از لحاظ آزادی تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وضعیت متفاوتی دارند. در این میان، هند هنوز دارای اقتصادی نسبتاً بسته است.

۴-۲. آموزش

در شرایطی که اقتصادها با رشد اقتصادی مواجه می‌شوند، مواجهه با کمبود نیروی کار ماهر امری اجتناب‌ناپذیر است که این امر الزام به افزایش سال‌های آموزش در مراحل آتی توسعه اقتصادی را آشکار می‌سازد. در میان BRIC، هند مرتبه پایینی برای شاخص‌های آموزش به‌ویژه در آموزش ابتدایی و متوسطه دارد. بسیاری از مطالعات درون‌کشوری یک همبستگی مثبت و معنادار آماری بین تحصیل و نرخ رشد GDP سرانه را نشان داده‌اند. سطوح بالای آموزش معمولاً در دستیابی به رشد سریع مفیدند. برآوردهای رشد بلندمدت مبتنی بر یک رابطه قوی بین تحصیلات متوسطه و ظرفیت رشد قرار دارند. در بین BRIC هند اقدامات بسیاری در خصوص توسعه آموزش در دستور کار دارد. برخلاف مؤسسه PWC که تماماً به بررسی اقتصاد جهان در بلندمدت پرداخته است، در مطالعات صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، مؤسسه مکنزی و اوپک، چشم‌انداز اقتصاد جهانی هم در کوتاه‌مدت و بلندمدت مورد توجه قرار گرفته است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

۳. چشم‌انداز رشد اقتصاد جهان از دیدگاه صندوق بین‌المللی پول

براساس آخرین برآورد IMF که در ماه ژوئن ۲۰۱۶ انجام شد، رشد اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۶ معادل ۳/۱ درصد خواهد بود که ۰/۱ درصد کمتر از پیش‌بینی قبلی این سازمان بوده است.^۱ از مهمترین علل کاهش نرخ رشد اقتصادی در تعدیل انجام شده، کند شدن رشد اقتصادی چین و بحران‌های مالی برخی اقتصادهای نوظهور، خروج انگلستان از اتحادیه اروپا و تنش‌های اقتصادی بجامانده از رکود در اقتصادهای توسعه‌یافته می‌باشد. مقایسه این پیش‌بینی با برآورد رشد اقتصادی سال ۲۰۱۵ که معادل ۳/۱ درصد

۱. پیش‌بینی قبلی صندوق بین‌المللی پول در ماه آوریل ۲۰۱۶ انجام شده بود که به دلیل خروج انگلستان از اتحادیه اروپا، صندوق بین‌المللی با بررسی و در نظر گرفتن آثار برگزیت مجدداً پیش‌بینی خود را تعدیل نمود.



بوده است نشانگر نشانه‌های ضعیف بهبود وضعیت اقتصادی و عدم تحقق دستاوردهای قابل توجه در اقتصاد جهانی تا پایان سال ۲۰۱۶ است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که رکود اقتصادی در برزیل و روسیه به‌عنوان دو اقتصاد نوظهور مهم قدری طولانی‌تر و ابعاد آن عمیق‌تر از پیش‌بینی‌های پیشین باشد. برخی کشورهای صادرکننده نفت نظیر ونزوئلا، کانادا، عربستان سعودی و نیجریه نیز با کاهش قابل توجه درآمد حاصل از صادرات نفت مواجه شدند. در نتیجه رشد اقتصادی این کشورها نیز تا پایان سال ۲۰۱۶ با افت مواجه خواهد شد. همزمان سیاست فدرال رزرو آمریکا در راستای افزایش نرخ بهره نیز در جریان سرمایه به کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور تأثیر گذارده است. کندی رشد اقتصادی چین با کاهش جریان تجارت و سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه اثر مضاعفی بر کاهش آهنگ رشد اقتصاد این کشورها از خود بجای خواهد گذارد. اروپا و ژاپن نیز از افت نرخ رشد اقتصادی علیرغم تدابیر خاص اتخاذ شده از سوی اتحادیه اروپا جان سالم به در نخواهند برد. دلار قوی، چشم‌انداز مبهم رشد جهانی و قیمت‌های پایین نفت دست به دست هم داده‌اند و کاهش نرخ رشد اقتصادی را برای جوامع در حال توسعه به ارمغان آورده است. طبق پیش‌بینی انجام شده بحران مهاجران به اروپا، جدایی انگلستان از اتحادیه اروپا و بدهی بالای برخی کشورهای اروپایی نظیر یونان، پرتغال و ... در کندی آهنگ رشد اقتصاد اروپا تأثیرگذار باشد. در کشورهای توسعه‌یافته علیرغم سیاست‌های پولی انبساطی و قیمت‌های پایین نفت که موجب افزایش تقاضای داخلی شده است، افت تقاضای خارجی، افزایش ارزش پول (به‌ویژه در ایالات متحده) و شرایط بجامانده از وضعیت رکودی سال‌های گذشته تا حدودی بهبود نرخ رشد اقتصادی را دشوار ساخته است. پیش‌بینی رشد اقتصاد جهانی برای سال ۲۰۱۷ قدری امیدوارکننده‌تر است. رشد ۳/۴ درصدی در سال ۲۰۱۷ برای اقتصاد جهان (۰/۳ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۶) در پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول مبتنی بر مفروضاتی است که عبارتند از:

- بهبود تدریجی شرایط در کشورهای دارای تنش اقتصادی به‌ویژه اقتصادهای توسعه‌یافته
 - ایجاد توازن مجدد در اقتصاد چین و افزایش اندک رشد اقتصادی نسبت به چند سال گذشته
 - افزایش نسبی فعالیت‌های تجاری و رشد صادرات کالاها
 - بازگشت روند افزایش رشد اقتصادی در اقتصادهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه
- اگرچه شرایط فوق و رشد نسبی اقتصاد جهانی به زعم صندوق بین‌المللی پول محتمل‌ترین سناریو تلقی می‌شود، اما کماکان سناریوهای دیگری را نیز می‌توان متصور شد. یکی از بدبینانه‌ترین آنها وضعیتی را ترسیم کرده که در واقع وضعیت کنونی نه تنها استمرار یابد بلکه قدری دشوارتر گردد و در اقتصادهای مختلف تحولاتی به شرح ذیل رخ دهد:
- اقتصادهای توسعه‌یافته از تنش‌های ناشی از رکود خارج نشده و ارزش پول ملی باز هم کاهش یابد. جریان ورود سرمایه به داخل کاهش یابد و تقاضای داخلی بهبود نیابد.

- استمرار قیمت‌های پایین نفت خام می‌تواند چشم‌انداز اقتصاد کشورهای صادرکننده نفت را تیره‌تر سازد و این کشورها را با تشدید کسری بودجه مواجه ساخته و مجبور به کاهش در هزینه‌های دولت نماید.

- بازگشت اقتصاد چین به روند بهبود رشد اقتصادی کند شود و با کاهش درآمد و تقاضای این کشور جمع زیادی از اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه شدیداً متأثر گردند.

- بروز شوک‌های ناگهانی، غیرمنتظره و شدید متأثر از عوامل غیراقتصادی به‌ویژه مسائل ژئوپلیتیکی، تشدید بحران پناهجویان، عملیات‌های تروریستی در کشورهای مهم و تأثیرگذار بر اقتصاد جهانی چشم‌انداز رشد اقتصادهای پیشرفته در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ در سناریوی پایه یکسان و معادل ۱/۸ درصد و برای اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور در سال ۲۰۱۶ برابر با ۴/۱ درصد و در سال ۲۰۱۷ معادل ۴/۶ درصد پیش‌بینی شده است.

در پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول، کشورهای خاورمیانه، شمال آفریقا به همراه افغانستان و پاکستان در سال ۲۰۱۶ رشدی معادل ۳/۴ درصد و برای سال ۲۰۱۷ برابر با ۳/۳ خواهند داشت. رشد اقتصادی عربستان سعودی برای سال ۲۰۱۶ همچون پیش‌بینی‌های قبلی ۱/۲ درصد پیش‌بینی شده است. رشد اقتصادی برای ایران در گزارش ماه آوریل ۲۰۱۶ صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۶، ۳/۹۶ و در سال ۲۰۱۷، ۳/۷۴ درصد پیش‌بینی شده است.

رشد اقتصادی چین به‌عنوان مهم‌ترین اقتصاد نوظهور در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به ترتیب ۶/۶ درصد و ۶/۲ درصد در نظر گرفته شده است. هند براساس پیش‌بینی انجام شده نرخ رشد بالاتری را تجربه خواهد کرد و برای سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ از رشد ۷/۴ درصدی برخوردار خواهد بود که بالاترین نرخ رشد در میان اقتصادهای نوظهور به‌شمار می‌رود.

با وجود بهبود وضعیت اقتصادی روسیه، این کشور رشد اقتصادی منفی ۱/۲ درصد را در سال ۲۰۱۶ تجربه می‌کند. اما در سال ۲۰۱۷ رشد اقتصادی این کشور مثبت و به معادل ۱ درصد خواهد بود. همانند سال ۲۰۱۵، رشد اقتصادی برزیل همچنان منفی و معادل منفی ۳/۳ درصد خواهد شد. اما در سال ۲۰۱۷ برای این کشور رشد اقتصادی مثبت ۰/۵ درصد پیش‌بینی شده است که به دو سال رشد اقتصادی منفی پایان می‌دهد.

۱-۳. سناریوهای جایگزین برای رشد اقتصاد جهانی پس از برگزیت

اقتصاددانان بر این باورند که در پی خروج انگلستان از اتحادیه اروپا رشد اقتصادی اتحادیه اروپا و انگلستان به طور مستقیم و اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه و توسعه‌یافته نیز به‌طور غیرمستقیم متأثر خواهند شد. با توجه به اینکه هنوز برای ارزیابی و پیش‌بینی آثار این رویداد بر رشد اقتصادی قذری زود می‌باشد، لذا پیچیدگی پیش‌بینی تحولات آتی اقتصاد جهانی، رشد اقتصادی جهان و مناطق مختلف در سه سناریو



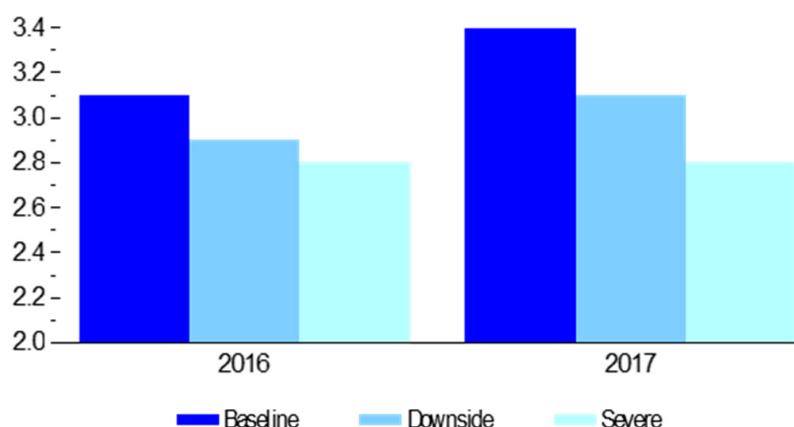
پیش‌بینی شده است.

آنچه پیش‌تر با در نظر گرفتن تمامی تحولات از جمله مسائل ژئوپلیتیک و برگزیت پیش‌بینی شده است، تحت عنوان سناریوی پایه نشان داده شده است. دو سناریوی جایگزین نیز با عنوان «بسیار دشوار»^۱ و «تنزل»^۲ در نظر گرفته شده است. این دو سناریو مبتنی بر رویکرد مدل ساختارمند و دیدگاه‌های صاحب‌نظران در خصوص پیامدهای منفی برگزیت بر اقتصاد جهانی نظیر واکنش بسیار سختگیرانه بازارهای مالی به این مسئله در میان‌مدت و بلندمدت به دست آمده است.

این دو سناریو در مقایسه با سناریوی پایه غیرمحمول‌ترند. در سناریوی تنزل، فرض شده که شرایط مالی دشوارتر و اعتماد مصرف‌کنندگان و انتظارات آنها پایین‌تر از سطح سناریوی پایه است. در این سناریو در انگلستان و اتحادیه اروپا، مصرف و سرمایه‌گذاری رشد کمتری از سناریوی پایه خواهند داشت. در نتیجه رشد اقتصاد جهان، با افتی نسبی نسبت به سناریوی پایه برای سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ خواهد بود.

سناریوی بسیار دشوار که نسبت به سناریوی تنزل کمتر محتمل است با بحران مالی شدید و نابسامانی نظام مالی در اتحادیه اروپا و انگلستان همراه خواهد بود. بخش عمده خدمات مالی انگلستان متوجه اتحادیه اروپا خواهد شد که این امر خود آهنگ مصرف و سرمایه‌گذاری و به تبع آن رشد اقتصادی در انگلستان را بسیار کند خواهد کرد. برای اقتصاد جهان رشد اقتصادی در دو سناریوی پایه و تنزل در سال ۲۰۱۷ نسبت به ۲۰۱۶ رشد خواهد داشت اما در سناریوی بسیار دشوار تغییر مشاهده نمی‌شود.

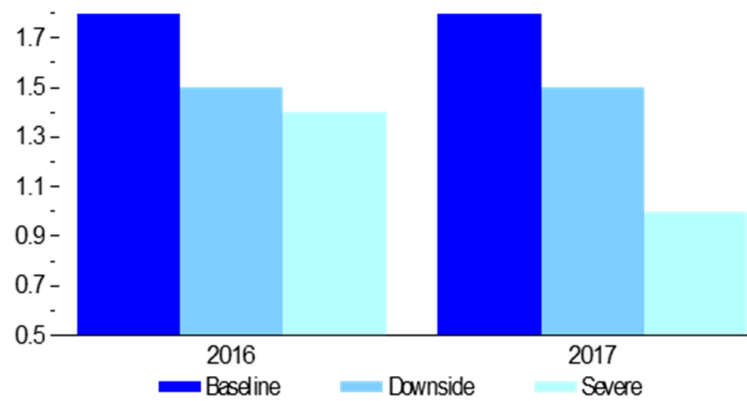
شکل ۶. مقایسه رشد اقتصاد جهانی در سه سناریو



1. severe
2. Down side

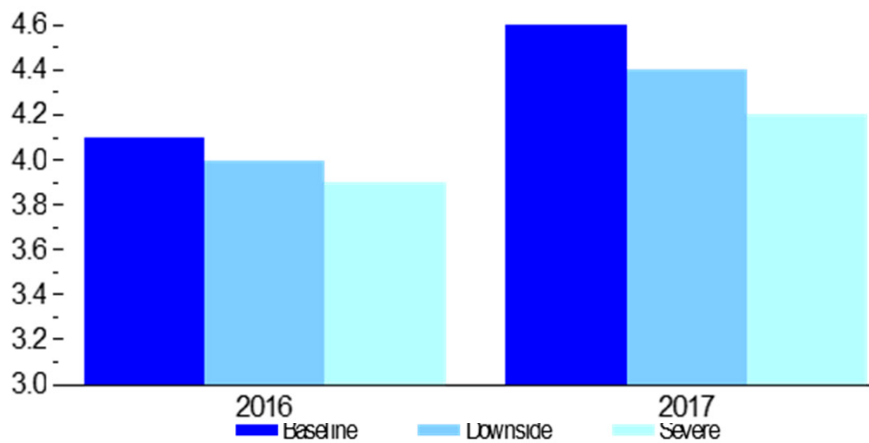
در مورد اقتصادهای توسعه‌یافته، رشد اقتصادی دو سناریوی پایه و تنزل در سال ۲۰۱۷ نسبت به ۲۰۱۶ رشد چندانی ندارد اما در سناریوی بسیار دشوار رشد اقتصادی افت شدید خواهد داشت.

شکل ۷. مقایسه پیش‌بینی رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته در سه سناریو



برای اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه در هر سه سناریو در سال ۲۰۱۷ نسبت به ۲۰۱۶ رشد اقتصادی پیش‌بینی می‌شود.

شکل ۸. مقایسه پیش‌بینی رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور در سه سناریو



پیش‌بینی رشد اقتصادی جهان و مناطق مختلف آن در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ در جدول ۲ ارائه شده است.



جدول ۲. پیش‌بینی رشد اقتصادی جهان و کشورهای مختلف در سناریوی پایه

	2014	2015	Projections	
			2016	2017
World Output	3.4	3.1	3.1	3.4
Advanced Economies	1.9	1.9	1.8	1.8
United States	2.4	2.4	2.2	2.5
Euro Area	0.9	1.7	1.6	1.4
Germany	1.6	1.5	1.6	1.2
France	0.6	1.3	1.5	1.2
Italy	-0.3	0.8	0.9	1.0
Spain	1.4	3.2	2.6	2.1
Japan	0.0	0.5	0.3	0.1
United Kingdom	3.1	2.2	1.7	1.3
Canada	2.5	1.1	1.4	2.1
Other Advanced Economies 3/	2.8	2.0	2.0	2.3
Emerging Market and Developing Economies	4.6	4.0	4.1	4.6
Commonwealth of Independent States	1.1	-2.8	-0.6	1.5
Russia	0.7	-3.7	-1.2	1.0
Excluding Russia	1.9	-0.6	1.0	2.5
Emerging and Developing Asia	6.8	6.6	6.4	6.3
China	7.3	6.9	6.6	6.2
India 4/	7.2	7.6	7.4	7.4
ASEAN-5 5/	4.6	4.8	4.8	5.1
Emerging and Developing Europe	2.8	3.6	3.5	3.2
Latin America and the Caribbean	1.3	0.0	-0.4	1.6
Brazil	0.1	-3.8	-3.3	0.5
Mexico	2.2	2.5	2.5	2.6
Middle East, North Africa, Afghanistan, and Pakistan	2.7	2.3	3.4	3.3
Saudi Arabia	3.6	3.5	1.2	2.0
Sub-Saharan Africa	5.1	3.3	1.6	3.3
Nigeria	6.3	2.7	-1.8	1.1
South Africa	1.6	1.3	0.1	1.0
<i>Memorandum</i>				
Low-Income Developing Countries	6.0	4.5	3.8	5.1
World Growth Based on Market Exchange Rates	2.7	2.5	2.5	2.8
World Trade Volume (goods and services) 6/	3.7	2.6	2.7	3.9
Advanced Economies	3.6	3.8	2.6	3.9
Emerging Market and Developing Economies	3.9	0.6	2.9	3.9
Commodity Prices (U.S. dollars)				
Oil 7/	-7.5	-47.2	-15.5	16.4
Nonfuel (average based on world commodity export weights)	-4.0	-17.5	-3.8	-0.6
Consumer Prices				
Advanced Economies	1.4	0.3	0.7	1.6
Emerging Market and Developing Economies 8/	4.7	4.7	4.6	4.4
London Interbank Offered Rate (percent)				
On U.S. Dollar Deposits (six month)	0.3	0.5	0.9	1.2
On Euro Deposits (three month)	0.2	0.0	-0.3	-0.4
On Japanese Yen Deposits (six month)	0.2	0.1	-0.0	-0.2

۴. پیش‌بینی رشد اقتصاد جهانی توسط بانک جهانی

بانک جهانی در پیش‌بینی خود که در ماه ژوئن ۲۰۱۶ منتشر شد، ضمن بررسی چشم‌انداز رشد اقتصادی مناطق مختلف و کشورهای منتخب جهان، رشد اقتصادی جهان را در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ ارائه کرد.

رشد اقتصادی جهان براساس مطالعه بانک جهانی برای سال ۲۰۱۶ معادل ۲/۴ درصد پیش‌بینی شد که ۰/۵ درصد کمتر از پیش‌بینی ماه ژانویه ۲۰۱۶ است. با توجه به یافته‌های این بررسی، چشم‌انداز روشن و امیدوارکننده‌ای برای اقتصاد جهانی تا سال ۲۰۱۸ پیش‌بینی نمی‌شود. نرخ رشد اقتصاد جهانی برای سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ به ترتیب ۲/۸ و ۳ درصد پیش‌بینی شده که پایین‌تر از پیش‌بینی رشد اقتصادی جهان توسط صندوق بین‌المللی پول می‌باشد.

بانک جهانی با اعلام مشاهده روند ضعیف اقتصاد جهانی و بروز ریسک‌های مختلف اقدام به بازنگری پیش‌بینی‌های خود کرده است. مشاهده رشد کمتر از حد انتظار اقتصادهای توسعه‌یافته و کاهش مضاعف قیمت کالاها و خدمات به همراه تشدید تنش‌ها و ریسک‌های سیاسی در خاورمیانه و اتحادیه اروپا، وجود نگرانی بابت کارآمدی سیاست‌های پولی تشویقی در کشورهای توسعه‌یافته و ابراز تمایل سیاست‌گذاران اقتصادی به اتخاذ سیاست‌های مالی انبساطی در کنار سیاست‌های پولی شرایط را به گونه‌ای ساخت که تردیدهایی در روند بهبود مورد انتظار اقتصاد جهانی ایجاد شود و به تبع آن تعدیل‌هایی در خصوص شاخص‌های کلان اقتصادی به‌ویژه نرخ رشد اقتصادی توسط بانک جهانی انجام شود. علاوه بر این، تحولات بازار جهانی نفت و پایین ماندن سطح قیمت‌ها بهبود چندانی در اقتصاد کشورهای واردکننده نفت حاصل نکرده است.

اقتصادهای توسعه‌یافته طبق پیش‌بینی بانک جهانی در سال ۲۰۱۶ حدود ۱/۷ درصد رشد را تجربه خواهند کرد که ۰/۵ درصد کمتر از برآورد قبلی است. از مهمترین دلایل این وضعیت می‌توان به روند سرمایه‌گذاری بسیار کند، افت روند رشد صادرات به دلیل افت تقاضا برای واردات از سایر کشورها اشاره کرد این مسئله در شرایطی رخ داده است که نرخ پایین حامل‌های انرژی و بهبود وضعیت بازار کار به‌عنوان محرک‌های رشد اقتصادی به‌وقوع پیوسته است.

سال ۲۰۱۶ با روند ضعیف فعالیت‌های تولید صنعتی در کشورهای در حال توسعه و تازه صنعتی شده آغاز شد. چین به‌عنوان مهمترین اقتصاد نوظهور در صدد متوازن‌سازی مجدد اقتصاد خود و بازگشت به نرخ‌های رشد بالاتر است. درحالی که روسیه و برزیل کماکان درگیر رکود اقتصادی خود هستند. طبق پیش‌بینی بانک جهانی نرخ رشد اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه در سال ۲۰۱۶ حدود ۳/۵ درصد (۰/۶ درصد کمتر از پیش‌بینی قبلی) خواهد بود. نرخ رشد اقتصادی این دسته از کشورها در سال ۲۰۱۷ با افزایش نسبی ۴/۴ درصد برآورد شده است. بانک جهانی این گروه از کشورها را به دو دسته



صادرکنندگان کالا و واردکنندگان کالا تقسیم نموده است. کشورهای نفت خیز جزء دسته صادرکنندگان قرار دارند که اغلب از نرخ پایینی در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ برخوردار می‌باشند.

جدول ۳. پیش‌بینی رشد اقتصادی جهان و کشورهای مختلف (ارقام به درصد - نرخ رشد نسبت به سال قبل)

	2013	2014	2015e	2016f	2017f	2018f	2015e	2016f	2017f	2018f
World	2.4	2.6	2.4	2.4	2.8	3.0	0.0	-0.5	-0.3	-0.1
Advanced economies	1.1	1.7	1.8	1.7	1.9	1.9	-0.1	-0.5	-0.2	-0.1
United States	1.5	2.4	2.4	1.9	2.2	2.1	-0.1	-0.8	-0.2	-0.1
Euro Area	-0.3	0.9	1.6	1.6	1.6	1.5	0.1	-0.1	-0.1	-0.1
Japan	1.4	-0.1	0.6	0.5	0.5	0.7	-0.2	-0.8	-0.4	-0.6
Emerging and developing economies (EMDEs)	4.7	4.2	3.4	3.5	4.4	4.7	0.0	-0.6	-0.3	-0.2
Commodity exporting EMDEs	3.2	2.1	0.2	0.4	2.4	3.0	0.1	-1.2	-0.8	-0.3
Other EMDEs	5.9	5.9	5.9	5.8	5.7	5.8	0.0	-0.1	-0.1	-0.1
Other EMDEs excluding China	3.9	4.3	4.7	4.7	4.9	5.0	0.0	-0.2	-0.2	-0.2
East Asia and Pacific	7.1	6.8	6.5	6.3	6.2	6.1	0.1	0.0	0.0	-0.1
China	7.7	7.3	6.9	6.7	6.5	6.3	0.0	0.0	0.0	-0.2
Indonesia	5.6	5.0	4.8	5.1	5.3	5.5	0.1	-0.2	-0.2	0.0
Thailand	2.7	0.8	2.8	2.5	2.6	3.0	0.3	0.5	0.2	0.3
Europe and Central Asia	2.3	1.8	-0.1	1.2	2.5	2.8	0.0	-0.4	-0.1	0.0
Russia	1.3	0.7	-3.7	-1.2	1.4	1.8	0.1	-0.5	0.1	0.3
Turkey	4.2	3.0	4.0	3.5	3.5	3.6	-0.2	0.0	0.0	0.2
Poland	1.3	3.3	3.6	3.7	3.5	3.5	0.1	0.0	-0.4	-0.4
Latin America and the Caribbean	2.9	1.0	-0.7	-1.3	1.2	2.1	0.2	-1.3	-0.9	-0.3
Brazil	3.0	0.1	-3.8	-4.0	-0.2	0.8	-0.1	-1.5	-1.6	-0.7
Mexico	1.4	2.3	2.5	2.5	2.8	3.0	0.0	-0.3	-0.2	-0.2
Argentina	2.9	0.5	2.1	-0.5	3.1	3.0	0.4	-1.2	1.2	0.0
Middle East and North Africa	2.0	2.9	2.6	2.9	3.5	3.6	-0.2	-1.1	-1.0	-0.5
Saudi Arabia	2.7	3.6	3.4	1.9	2.0	2.3	0.6	-0.5	-0.9	-0.6
Iran, Islamic Rep.	-1.9	4.3	1.6	4.4	4.9	4.7	-0.3	-1.4	-1.8	-1.3
Egypt, Arab Rep ²	2.1	2.2	4.2	3.3	4.2	4.6	0.0	-0.5	-0.2	-0.2
South Asia	6.1	6.8	7.0	7.1	7.2	7.3	0.0	-0.2	-0.3	-0.2
India ²	6.6	7.2	7.6	7.6	7.7	7.7	0.3	-0.2	-0.2	-0.2
Pakistan ²	3.7	4.0	4.2	4.5	4.8	5.1	0.0	0.0	0.0	0.3
Bangladesh ²	6.0	6.1	6.5	6.3	6.8	6.0	0.0	-0.4	0.0	-0.8
Sub-Saharan Africa	4.8	4.5	3.0	2.5	3.9	4.4	-0.3	-1.7	-0.7	-0.3
South Africa	2.2	1.5	1.3	0.6	1.1	2.0	0.0	-0.8	-0.5	0.4
Nigeria	5.4	6.3	2.7	0.8	3.5	4.0	-0.6	-3.8	-1.8	-1.3
Angola	6.8	3.9	2.8	0.9	3.1	3.4	-0.2	-2.4	-0.7	-0.4
Memorandum items:										
Real GDP¹										
High-income countries	1.2	1.7	1.6	1.5	1.9	1.9	0.0	-0.6	-0.2	-0.2
Developing countries	5.3	4.9	4.3	4.3	4.9	5.1	0.0	-0.5	-0.4	-0.2
Low-income countries	6.5	6.1	4.5	5.3	6.3	6.6	-0.6	-0.9	-0.3	0.0
BRICS	5.7	5.1	3.8	4.2	5.1	5.3	-0.1	-0.4	-0.2	-0.1
World (2010 PPP weights)	3.2	3.4	3.1	3.1	3.6	3.7	0.0	-0.5	-0.2	-0.2
World trade volume³	3.3	3.8	3.1	3.1	3.9	4.1	-0.5	-0.7	-0.4	-0.4
Commodity prices										
Oil price ⁴	-0.9	-7.5	-47.3	-25.7	32.5	6.5	-0.8	-17.2	25.3	-0.7
Non-energy commodity price index	-7.2	-4.6	-15.0	-12.2	10.5	2.3	-0.2	-10.4	8.6	0.4
Capital inflows to EMDEs (percent of GDP)⁵	5.4	4.3	1.8	3.2	3.8	4.2	-0.5	-0.1	-0.4	-0.2

رشد اقتصادی ایران برای سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ به ترتیب ۴/۴، ۴/۹ و ۴/۷ درصد پیش‌بینی شده است که نکته حائز اهمیت آن افت رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۸ است. در حالی که دیگر اقتصادهای مهم خاورمیانه نظیر ترکیه و عربستان روند رشد صعودی خواهند داشت. عربستان در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ به ترتیب رشد اقتصادی ۱/۹، ۲ و ۲/۳ درصد را تجربه خواهد کرد. برای ترکیه نیز طی همین دوره

به ترتیب نرخ رشد ۳/۵، ۳/۵ و ۳/۶ درصد پیش‌بینی شده است.

اقتصادهای نوظهور هم در این دوره آهنگ رشد متفاوتی خواهند داشت. چین با وجود تدابیر ویژه برای متوازن‌سازی اقتصاد و بازگشت به نرخ‌های رشد بالا، به ترتیب ۶/۷، ۶/۵ و ۶/۳ درصد رشد خواهد داشت که برخلاف میل و اراده سیاستگذاران این کشور همچنان روندی نزولی را تجربه خواهد کرد. در حالی که در مورد هند پیش‌بینی‌ها حاکی از نرخ رشد ثابت و نسبتاً افزایشی معادل ۷/۶، ۷/۷ و ۷/۷ می‌باشد. بدین ترتیب در میان اقتصادهای برتر جهان اعم از توسعه‌یافته‌ها و اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه، هند بالاترین رکورد نرخ رشد را در اختیار خواهد داشت.

برخی صاحب‌نظران بر این باورند که هند حداقل طی ۱۰ سال آینده به روند رشد اقتصادی نسبتاً افزایشی ادامه خواهد داد. برزیل با آهنگ ملایم در حال خروج از حوضیض رکود اقتصادی است و نرخ رشد ۰/۴-، ۰/۲- و ۰/۸ درصد را برای سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ تجربه خواهد کرد. روسیه نیز وضعیت مشابهی دارد و با وجود رکود اقتصادی در حال حاضر تنها به لطف درآمد نفت و گاز در سال‌های آینده با آهنگ سریع‌تری نسبت به برزیل از رکود خارج خواهد شد و نرخ رشد‌های ۱/۲-، ۱/۴ و ۱/۸ درصد را تجربه خواهد کرد.

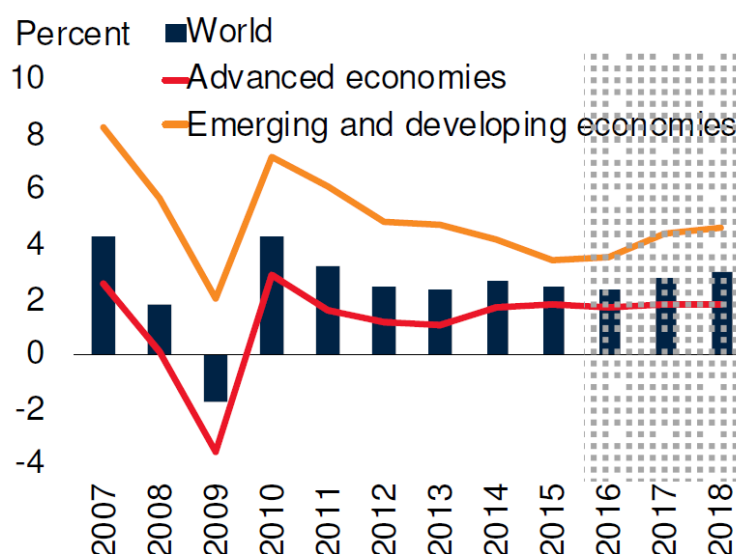
نکته مهم در پیش‌بینی بانک جهانی، تأکید بر نقش قیمت نفت در رشد اقتصادی کشورهای مهم صادرکننده و واردکننده نفت جهان است. با توجه به اهمیت این مؤلفه، بانک جهانی به‌طور مستقل پیش‌بینی تغییرات قیمت نفت خام را تا سال ۲۰۱۸ ارائه کرده است. براساس برآورد بانک جهانی، در سال ۲۰۱۵ قیمت نفت با افت شدید ۴۷ درصدی مواجه شد. براساس گزارش اخیر اوپک متوسط قیمت نفت خام در سال ۲۰۱۶ تا پایان ماه جولای حدود ۳۷ دلار بوده است که ۲۵ درصد پایین‌تر از سال ۲۰۱۵ می‌باشد و این تأییدکننده برآورد بانک جهانی در خصوص قیمت نفت در سال ۲۰۱۶ تاکنون می‌باشد. براساس پیش‌بینی بانک جهانی قیمت نفت خام برای سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ به ترتیب ۳۲/۵ و ۶/۵ درصد رشد خواهد داشت که این روند با نرخ رشد اقتصادی اغلب کشورهای صادرکننده نفت مطابقت دارد.

از آنجا که ایران با ادامه روند کنونی افزایش تولید نفت در سال ۲۰۱۷ به سقف تولید ممکن و سهم حداکثر ممکن خود در بازار خواهد رسید با رشد قیمت نفت می‌توان نرخ رشد قابل توجه ۴/۹ درصدی برای این سال قابل توجیه دانست. اما در سال ۲۰۱۸ رشد معناداری در تولید وجود نخواهد داشت و نرخ رشد قیمت هم اندک خواهد بود لذا نرخ رشد اقتصادی ایران افزایش نخواهد داشت. اما پیش‌بینی کاهش اندک نرخ رشد به ۴/۷ درصد که بر پایه مفروضات مدل بانک جهانی است را می‌توان ناشی از چشم‌انداز تیره پسابرجام و یا بروز تنش‌های سیاسی و بازگشت بخشی از تحریم‌ها بر شمرد.



در شکل زیر روند رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و نوظهور (EMDE's)^۱ و رشد اقتصاد جهانی نشان داده شده است. همان‌گونه که انتظار می‌رود، نرخ رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و نوظهور بالاتر از متوسط نرخ رشد جهانی و اقتصادهای توسعه‌یافته‌ها پایین‌تر از متوسط جهانی می‌باشند.

شکل ۹. مقایسه روند گذشته و پیش‌بینی نرخ رشد اقتصادهای در حال توسعه و نوظهور و توسعه‌یافته‌ها



البته یک دسته دیگر هم در برآوردها و پیش‌بینی‌های بانک جهانی مورد توجه قرار گرفته است که اصطلاحاً کشورهای کم درآمد (LIC's)^۲ نامیده می‌شوند و به لحاظ سهم از تولید ناخالص داخلی جهان سهم بسیار اندکی دارند و در جریان نرخ رشد اقتصاد جهان تأثیر معناداری ندارند. در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ نرخ رشد اقتصادی این دسته از کشورها به ترتیب ۶/۵ و ۶/۱ درصد بوده است. بانک جهانی نرخ رشد اقتصادی این کشورها را در سال ۲۰۱۵ حدود ۴/۵ درصد برآورد کرده است که در ادامه روند نزولی سال‌های اخیر می‌باشد.

اما برای سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ چشم‌انداز روشنی برای این دسته انتظار می‌رود به طوری که نرخ رشد اقتصادی این حوزه به ترتیب با روندی صعودی ۵/۳، ۶/۳ و ۶/۶ درصد خواهد شد. بانک جهانی این رشد را در نتیجه کاهش قیمت کالاهای وارداتی و حامل‌های انرژی، افزایش نسبی سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه گردشگری، کشاورزی و معادن، ثبات سیاسی نسبی و اصلاحات نهادی و رفرم‌های اجتماعی

1. Emerging and Developing Countries
2. Low Income Countries

می‌داند.

۵. پیش‌بینی رشد اقتصاد جهان از سوی سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)

۵-۱. پیش‌بینی نرخ رشد اقتصادی

براساس آخرین گزارش تحقیقاتی اوپک تحت عنوان "World Oil Outlook, 2015"، نفت خام قادر خواهد بود طی ۲۵ سال آینده و تا افق سال ۲۰۴۰ با کسب بیشترین سهم در میان انواع انرژی‌های اولیه به‌عنوان مهمترین نوع انرژی در مقایسه با گاز و زغال سنگ قرار گیرد. اوپک معتقد است که امکان عرضه کافی نفت خام به بازار برای تأمین نیاز جهانی در سال‌های آتی خواهد بود. اوپک در مدل OWEM خود با برآورد نرخ رشد اقتصادی مناطق مختلف جهان در دوره‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، میزان تقاضای نفت کشورهای مختلف را پیش‌بینی و با توجه به مؤلفه‌های مختلف از جمله برآورد میزان سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی نفت، میزان تولید نفت از مناطق مختلف را نیز پیش‌بینی کرده است.

براساس پیش‌بینی‌های سازمان اوپک، رشد اقتصادی جهان از ۳/۶ متوسط درصد در دوره زمانی ۲۰۱۴-۲۰۲۰ به ۳/۳ متوسط درصد در سال در دوره زمانی ۲۰۳۰-۲۰۴۰ کاهش خواهد یافت. در عین حال رشد تقاضای انرژی نیز با یک روند کاهشی در دوره‌های مورد نظر از ۱۰/۴ درصد به ۵/۳ درصد کاهش خواهد یافت. کشورهای OECD اصلی‌ترین عامل در کاهش رشد اقتصادی و رشد تقاضای انرژی به‌شمار می‌روند به طوری که رشد تقاضای انرژی کشورهای صنعتی آمریکای شمالی، اروپا و اقیانوسیه در سال ۲۰۴۰ به ترتیب معادل ۱۰/۶-، ۸/۱- و ۱۰- درصد خواهد بود.

از سویی دیگر، هرچند رشد اقتصادی کشورهای چین و هند به‌عنوان اقتصادهای نوظهور در افق ۲۰۴۰ با کاهش مواجه خواهد شد، در عین حال رشد تقاضای انرژی این کشورها به ترتیب ۱۷ و ۳۹ درصد خواهد بود. از دیگر مناطقی که با رشد تقاضای انرژی مواجه خواهد شد منطقه خاورمیانه است که علیرغم پیش‌بینی کاهشی بودن رشد تقاضای انرژی، در سال ۲۰۴۰ این شاخص معادل ۱۹/۶ درصد خواهد بود و از این حیث در رتبه دوم جهانی قرار دارد.

به اعتقاد صاحب‌نظران دو سال اخیر - نیمه دوم سال ۲۰۱۴ تاکنون - را باید یکی از ادوار سخت و دشوار کشورهای صادرکننده نفت طی چند دهه اخیر دانست. در این دوره عوامل اقتصادی که از آن به‌عنوان عوامل بنیادین در بازار نفت یاد می‌شود، نقش زیادی در توضیح‌دهندگی و تبیین تحولات قیمت نفت داشته است. به اعتقاد اوپک اگرچه چشم‌انداز چندان امیدوارکننده‌ای در کوتاه‌مدت مشاهده نمی‌شود لکن پیش‌بینی می‌شود نرخ رشد اقتصادی قدری بهبود یابد و به نرخ رشد ۳/۸ درصد تا سال ۲۰۱۸ دست یابد. طبق برآورد اوپک متوسط نرخ رشد اقتصادی طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ حدود



۳/۶ درصد خواهد بود. به طوری که نرخ رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته حول و حوش ۲/۲ درصد و در کشورهای در حال توسعه ۵/۱ درصد پیش‌بینی می‌شود.

جدول ۴. روند نرخ رشد اقتصادی مناطق مختلف و متوسط جهانی در کوتاه‌مدت و میان‌مدت

منطقه	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۰-۲۰۱۴
OECD	۱/۸	۲	۲/۱	۲/۲	۲/۳	۲/۳	۲/۲	۲/۲
کشورهای در حال توسعه	۵/۲	۴/۹	۵/۱	۵/۲	۵/۲	۵/۲	۵/۱	۵/۱
اوراسیا	۱	-۱/۳	۱/۳	۱/۹	۲/۱	۲/۲	۲/۴	۱/۴
جهان	۳/۳	۳/۲	۳/۵	۳/۷	۳/۸	۳/۸	۳/۷	۳/۶

اوپک در بررسی خود همچنان به همان تقسیم‌بندی‌های گذشته کشورهای جهان به دو گروه در حال توسعه و توسعه‌یافته متکی است و تأکید و تمرکز بر اقتصادهای نوظهور چنانکه در مدل صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی منظور شده، ندارد. همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، با توجه به ثبات نسبی نرخ رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته OECD، کشورهای در حال توسعه نقش پیش‌ران رشد اقتصاد جهان را ایفا می‌کنند.

از دیدگاه اوپک عواملی نظیر میزان بالای بدهی‌های دولت و بخش خصوصی در بسیاری از اقتصادهای مهم، بازار کار ضعیف در حوزه یورو، پایین بودن نرخ تورم، نرخ رشد ضعیف در ژاپن، کندی روند افزایش نرخ رشد اقتصادی و تضعیف جریان سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه و مشکلات ساختاری و نهادی در کشورهای در حال توسعه نقش مهمی در آهنگ ضعیف رشد اقتصاد جهان داشته و خواهد داشت.

در مدل OWEEM علاوه بر پیش‌بینی کوتاه‌مدت رشد اقتصادی، با تکیه به مؤلفه‌های مختلف نظیر تحولات جمعیتی در مناطق مختلف جهان، پیش‌بینی رشد تولید ناخالص داخلی در میان‌مدت و بلندمدت نیز ارائه شده است.

طبق نتایج بررسی جمعیتی، جمعیت جهان از ۷/۲ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۴ به ۹ میلیارد نفر در سال ۲۰۴۰ خواهد رسید. رشد جمعیت در کشورهای OECD بسیار پایین، در منطقه اوراسیا منفی، منطقه خاورمیانه، آفریقا و کشورهای عضو اوپک بالا خواهد بود. جمعیت چین در سال ۲۰۲۸ به حداکثر خود می‌رسد و پس از آن روند نزولی را طی خواهد کرد. رشد جمعیت در هند به روند صعودی خود ادامه می‌دهد و در سال ۲۰۲۶ از چین پیشی خواهد گرفت.

علاوه بر دوره کوتاه‌مدت، اوپک همان‌گونه که در جدول زیر مشاهده می‌شود، نرخ رشد اقتصادی مناطق مختلف را برای افق‌های زمانی بلندمدت نیز پیش‌بینی کرده است.

جدول ۵. پیش‌بینی رشد اقتصادی مناطق مختلف جهان طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۴۰ (درصد)

منطقه	۲۰۲۰-۲۰۱۴	۲۰۳۰-۲۰۲۰	۲۰۴۰-۲۰۳۰
OECD آمریکا	۲/۷	۲/۷	۲/۴
OECD اروپا	۱/۹	۱/۷	۱/۶
OECD آسیا و اقیانوسیه	۱/۷	۱/۵	۱/۳
OECD	۲/۲	۲/۱	۱/۹
آمریکای لاتین	۲/۳	۳	۲/۷
خاورمیانه	۳/۶	۳/۴	۳/۲
هند	۷/۶	۶/۸	۵/۹
چین	۶/۵	۵/۵	۴/۲
سایر آسیا	۴/۴	۳/۹	۳/۳
اوپک	۲/۹	۳/۲	۳
کشورهای در حال توسعه	۵/۱	۴/۸	۴/۱
روسیه	۰/۸	۲/۱	۲
سایر اوراسیا	۲/۳	۲/۷	۲/۴
اوراسیا	۱/۴	۲/۴	۲/۲
کل جهان	۳/۶	۳/۶	۳/۳

Source: OPEC, World Oil Outlook, 2015.

۵-۲. پیش‌بینی تحولات بازار و قیمت نفت در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷

با توجه به تحولات و رویدادهای اقتصادی، ژئوپلیتیکی و تکنولوژیکی اداره اطلاعات انرژی آمریکا برآورد خود از بهای نفت در سال ۲۰۱۶ را ۳ دلار افزایش داد و به ۴۳ دلار رساند. این مؤسسه بر این باور است که اختلالات عرضه، رشد تقاضای نفت و کاهش سرعت افزایش ذخایر تجاری انبارهای نفتی سه مؤلفه اثرگذار بر قیمت نفت در ادامه سال است.

اداره اطلاعات انرژی آمریکا یکی از دلایل تعادل در بازار نفت را کاهش تولید نفت این کشور می‌داند. این سازمان افت تولید آمریکا را با شیب ملایمی پیش‌بینی کرده است که تا سه ماه سوم سال ۲۰۱۷ ادامه می‌یابد. میانگین تولید نفت این کشور در سه ماه سوم ۲۰۱۷ به مرز ۸ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. تولید کنونی آمریکا حدود ۸/۸ میلیون بشکه است.

براساس گزارش اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA)، میانگین ماهیانه قیمت نفت برنت در ماه می حدود ۵ دلار افزایش یافت و به ۴۷ دلار بر بشکه رسید که بالاترین میانگین قیمت ماهیانه نفت از اکتبر ۲۰۱۵ محسوب می‌شود. از سویی ماه می چهارمین ماه پیاپی بود که نفت در مسیر صعودی قرار گرفت. اختلال در عرضه نفت برخی کشورها مهمترین عامل افزایش قیمت نفت در ماه گذشته محسوب می‌شود، با این حال عواملی چون داده‌های مساعد اقتصادی که سیگنال رشد تقاضا را به دنبال دارند، کاهش مداوم تعداد دکلهای حفاری فعال در میادین نفتی آمریکا و کاهش تولید نفت این کشور به رشد قیمت‌ها



کمک کرد.

– برآورد قیمت نفت در سال ۲۰۱۷

اما در سال ۲۰۱۷، اداره اطلاعات انرژی آمریکا انتظار دارد که حجم موجودی تجاری انبارها کاهش یابد، از همین رو شاهد رشد قیمت نفت در نیمه اول سال ۲۰۱۷ خواهیم بود. قیمت نفت در سال ۲۰۱۷ حدود ۵۳ دلار پیش‌بینی شده که یک دلار بیشتر از برآورد قبلی این سازمان است. همچنین با ادامه کاهش حجم ذخایر تجاری در ادامه سال ۲۰۱۷، در سه‌ماه چهارم قیمت‌ها به ۵۸ دلار خواهد رسید. طبق اعلام اداره اطلاعات انرژی آمریکا متوسط قیمت نفت خام آمریکا در سال ۲۰۱۶ تنها کمی کمتر از بهای برنت خواهد بود و در سال ۲۰۱۷ قیمت دو نفت شاخص با یکدیگر برابری خواهند کرد.

با این حال اداره اطلاعات انرژی آمریکا با توجه به گستردگی قیمت‌ها در قراردادهای آتی بر عدم قطعیت برآوردهای قیمتی تأکید کرده است. براساس این گزارش، در معاملات آتی بازار نایمکس در بازه ۵ روزه منتهی به ۲ ژوئن، در معاملات سررسید سپتامبر ۲۰۱۶ (آخرین ماه سال میلادی) نفت به‌طور متوسط در قیمت ۵۰ دلار معامله شده که بازه اطمینان ۹۵ درصد قیمت‌ها در این معاملات ۳۶ دلار تا ۶۹ دلار بوده است. براساس برآوردهای EIA، حجم انبارهای نفتی کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در پایان سال ۲۰۱۵ به ۳ میلیارد بشکه رسیده که معادل مصرف ۶۶ روز نفت این کشورهاست. رشد ذخیره در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ با رشد آرام‌تری ادامه پیدا می‌کند و به‌ترتیب به ۳/۱ و ۳/۱۱ میلیارد بشکه خواهد رسید.

– رشد تولید اوپک و افت تولید غیراوپک

اوپک در سال ۲۰۱۵ به‌طور متوسط روزانه ۳۱/۵ میلیون بشکه نفت تولید کرده که حدود ۸۰۰ هزار بشکه بیشتر از متوسط سال ۲۰۱۴ بوده است. بیشترین مقدار این افزایش تولید از سوی عربستان و عراق رخ داده است. اداره اطلاعات انرژی آمریکا پیش‌بینی کرده است که با افزایش تولید نفت ایران بعد از لغو تحریم‌ها تولید روزانه نفت این سازمان در سال ۲۰۱۶ نیز رشد ۸۰۰ هزار بشکه‌ای را تجربه کند و به ۳۲/۳ میلیون بشکه برسد. همچنین اوپک سال ۲۰۱۷ رشد ۷۰۰ هزار بشکه‌ای تولید را به ثبت خواهد رساند. اداره اطلاعات انرژی آمریکا معتقد است که اوپک سیاست حفظ سهم بازار را ادامه خواهد داد و توافقی بین اعضای این سازمان در راستای کاهش تولید رخ نخواهد داد.

براساس این گزارش، اختلال عرضه از سوی اوپک در ماه می به‌دلیل کاهش تولید لیبی، عراق و نیجریه به ۲/۶ میلیون بشکه رسیده که یک میلیون بشکه بیشتر از ماه آوریل بوده است. این مؤسسه اختلالات تولید نیجریه در ماه می را ۸۰۰ هزار بشکه در روز برآورد کرده است درحالی که این میزان در ماه آوریل ۵۰۰ هزار و در سال ۲۰۱۵ به‌طور متوسط ۳۰۰ هزار بشکه در روز بوده است. در ماه می تولید نفت این کشور به ۱/۴ میلیون بشکه در روز رسیده که کمترین مقدار ماهیانه از سال ۱۹۸۰ تاکنون محسوب می‌شود. درحال حاضر حملات به تأسیسات نفتی این کشور گسترش یافته و به تخریب

زیرساخت‌های نفتی آن رسیده است. EIA پیش‌بینی کرده است که اختلالات در تولید نفت نیجریه تا سال ۲۰۱۷ نسبت به سال‌های گذشته در سطح بالایی باقی بماند. در جنوب عراق نیز نامساعد بودن آب و هوا و قطع برق موجب کاهش ۵۰ هزار بشکه‌ای تولید نفت این کشور شده است. بزرگ‌ترین بندر صادرات نفت لیبی نیز بسته شده و اختلالات عرضه نفت این کشور در ماه می ۵۰ هزار بشکه افزایش یافته است.

اما در کشورهای غیرعضو اوپک، تولید نفت در سال ۲۰۱۵ به‌طور متوسط روزانه ۱/۵ میلیون بشکه رشد کرد که بیش از نیمی از آن از سوی آمریکا اتفاق افتاد. با این حال، اداره اطلاعات انرژی آمریکا پیش‌بینی کرده که تولید نفت کشورهای غیرعضو اوپک در سال جاری میلادی ۶۰۰ هزار بشکه و در سال ۲۰۱۷ حدود ۲۰۰ هزار بشکه کاهش یابد.

تغییر در تولید کشورهای غیرعضو اوپک تا حد زیادی به تغییرات تولید نفت سبک آمریکا بستگی دارد. در عین حال تولید نفت سبک آمریکا (نفت شیل) نیز به میزان سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت در این میدان و قیمت نفت بستگی دارد. پیش‌بینی می‌شود تولید نفت آمریکا در سال ۲۰۱۶ حدود ۵۰۰ هزار بشکه و در سال ۲۰۱۷ حدود ۱۰۰ هزار بشکه کاهش یابد. اداره اطلاعات انرژی آمریکا بر این باور است که حجم بالای سرمایه‌گذاری در میدان نفتی پرهزینه زمانی که قیمت نفت بالا بود، موجب می‌شود که تولید نفت آمریکا در سال ۲۰۱۷ چندان کاهش نداشته باشد. اما کاهش سرمایه‌گذاری در زمان افت قیمت نفت از سوی شرکت‌های نفتی تولید نفت این کشور را بعد از سال ۲۰۱۷ تحت تأثیر قرار خواهد داد. بعد از آمریکا، تولید نفت دریای شمال بیشترین نرخ کاهش را تجربه خواهد کرد.

– تحولات طرف تقاضا

رشد تقاضای نفت در سال ۲۰۱۵ حدود ۱/۴ میلیون بشکه در روز برآورد می‌شود که در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ رشد کرده و به ۱/۵ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. برآورد رشد تقاضای اداره اطلاعات انرژی آمریکا برای سال ۲۰۱۶ نسبت به گزارش قبلی این سازمان ۱۰۰ هزار بشکه افزایش یافته است. بیشتر رشد تقاضا از سوی کشورهای خارج سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) خواهد بود. کشورهای غیر OECD در سال ۲۰۱۵ رشد تقاضای ۹۰۰ هزار بشکه‌ای را به ثبت رساندند و انتظار می‌رود رشد تقاضای این کشورها در سال ۲۰۱۶ به ۱/۳ و در سال ۲۰۱۷ به ۱/۴ میلیون بشکه در روز برسد. چین با رشد تقاضای نفت در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ حدود ۴۰۰ هزار بشکه و هند با رشد تقاضای روزانه ۳۰۰ هزار بشکه در سال ۲۰۱۶ و ۴۰۰ هزار بشکه در ۲۰۱۷ بیشترین رشد تقاضا را بین کشورهای جهان به‌خود اختصاص خواهند داد. رشد تقاضا در کشورهای OECD در سال ۲۰۱۵ حدود ۵۰۰ هزار بشکه در روز بوده است که در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به ترتیب به ۲۰۰ و ۱۰۰ هزار بشکه در روز خواهد رسید.



خلاصه و جمع‌بندی

با وجود اینکه روند تاریخی نرخ رشد واقعی اقتصاد جهانی طی دوره ۳۰ ساله ۱۹۸۵-۲۰۱۵ میلادی به شکل قابل ملاحظه‌ای ثابت بوده و متوسط نرخ رشد واقعی اقتصاد جهان طی این مدت بین ۳/۴ و ۲/۷ درصد در نوسان بوده است، اما نشانه‌هایی از تغییرات شگرفی در موقعیت و رتبه‌بندی اقتصادهای برتر جهان آشکار گردیده که در بلندمدت به تغییر مرکز ثقل اقتصاد جهان می‌انجامد. مهمترین علائم این تحولات طی سال‌های اخیر نرخ رشد اندک کشورهای توسعه‌یافته OECD و G7 و نرخ‌های رشد بالاتر اقتصادهای نوظهور به‌ویژه BRIC و کشورهای در حال توسعه می‌باشد.

در شرایطی که ایالات متحده روند ملایم بهبود نرخ رشد اقتصادی را تجربه می‌کند، اقتصادهای منطقه یورو چندان وضعیت باثبات و امیدوارکننده‌ای پیش رو ندارند. در چین، روند کاهش نرخ رشد اقتصاد از چند سال گذشته آغاز شده و طبق پیش‌بینی‌ها در کوتاه‌مدت و میان‌مدت کماکان ادامه خواهد داشت. در حالی که قیمت پایین نفت و تحریم‌های اقتصادی موجب انقباض در اقتصاد روسیه شده است. در هند، رشد به واسطه پیش‌بینی‌هایی مبنی بر ایجاد اصلاحات شتاب گرفته است.

برای ترسیم چشم‌انداز اقتصاد جهان در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت مختلفی ارائه شده است. در مدل مؤسسه PWC برای پیش‌بینی چشم‌انداز اقتصاد جهان که از مؤلفه‌های متعددی نظیر تحولات جمعیتی، مدل‌های انباشت سرمایه و رشد بهره‌وری، روند رشد تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه و نقل و انتقال سرمایه تشکیل شده است، اقتصاد جهان طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۵۰ به‌طور متوسط سالیانه ۳ درصد رشد خواهد داشت. تولید ناخالص داخلی جهان در سال ۲۰۵۰ سه برابر سال ۲۰۱۴ خواهد شد. بیشترین نرخ رشد اقتصادی طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۵۰ متعلق به هند و اندونزی خواهد بود. هند که در رتبه ۱۰ اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۴ قرار دارد در سال ۲۰۳۰ به سومین اقتصاد جهان تبدیل خواهد شد که جهشی چشمگیر به‌شمار می‌رود. اندونزی نیز از رتبه ۱۷ در سال ۲۰۱۴ به رتبه ۱۱ در سال ۲۰۳۰ و سپس با تکیه به نرخ رشد مستمر و قابل توجه در رتبه چهارم جهان خواهد ایستاد.

نکته جالب توجه اینکه از جمع ۱۰ اقتصاد برتر جهان در سال ۲۰۱۴ کشورهای فرانسه، انگلستان و ایتالیا دیگر در سال ۲۰۵۰ در جمع برترین‌های جهان نخواهند بود و جای آنها را اندونزی، مکزیک و نیجریه خواهند گرفت. آلمان نیز از رتبه چهارم به رتبه دهم تنزل خواهند کرد. ترکیب ۱۰ اقتصاد برتر جهان در سال ۲۰۵۰ را ۷ اقتصاد نوظهور چین، هند، برزیل، روسیه، اندونزی، مکزیک، نیجریه و تنها ۳ اقتصاد توسعه‌یافته آمریکا، ژاپن و آلمان تشکیل می‌دهند.

برخلاف مؤسسه PWC که عمده تمرکز آن بر چشم‌انداز بلندمدت اقتصاد جهان است، پیش‌بینی‌های بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و اوپک عمدتاً بر کوتاه‌مدت و میان‌مدت تأکید دارد. با توجه به تحولات مهمی چون گند شدن رشد اقتصادی چین و بحران‌های مالی برخی اقتصادهای

نوظهور، خروج انگلستان از اتحادیه اروپا و تنش‌های اقتصادی بجامانده از رکود در اقتصادهای توسعه‌یافته IMF رشد اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۶ را معادل ۳/۱ درصد برآورد کرده است. به اعتقاد این سازمان، رکود اقتصادی در برزیل و روسیه به‌عنوان دو اقتصاد نوظهور مهم قدری طولانی‌تر و ابعاد آن عمیق‌تر از پیش‌بینی‌های پیشین خواهد بود. رشد اقتصادی برخی کشورهای صادرکننده نفت نظیر ونزوئلا، کانادا، عربستان سعودی و نیجریه نیز با کاهش قابل توجه درآمد حاصل از صادرات نفت با افت مواجه خواهد شد. کندی رشد اقتصادی چین با کاهش جریان تجارت و سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه اثر مضاعفی بر کاهش آهنگ رشد اقتصاد این کشورها از خود بجای خواهد گذارد. در کشورهای توسعه‌یافته علیرغم سیاست‌های پولی انبساطی و قیمت‌های پایین نفت که موجب افزایش تقاضای داخلی شده است، افت تقاضای خارجی، افزایش ارزش پول (به‌ویژه در ایالات متحده) و شرایط بجامانده از وضعیت رکودی سال‌های گذشته تا حدودی بهبود نرخ رشد اقتصادی را دشوار ساخته است.

با این حال، به دلیل بهبود تدریجی شرایط در اقتصادهای توسعه‌یافته، ایجاد توازن مجدد در اقتصاد چین و افزایش اندک رشد اقتصادی، بازگشت روند افزایش رشد اقتصادی در اقتصادهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه، IMF رشد اقتصاد جهانی برای سال ۲۰۱۷ را قدری امیدوارکننده‌تر و با ۰/۳ درصد رشد نسبت به سال ۲۰۱۶ معادل ۳/۴ درصد پیش‌بینی کرده است.

در بررسی بانک جهانی، چشم‌انداز رشد اقتصاد جهان پایین‌تر از پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول است. رشد اقتصادی جهان براساس مطالعه بانک جهانی برای سال ۲۰۱۶ معادل ۲/۴ درصد برآورد شده و برای سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ به ترتیب ۲/۸ و ۳ درصد پیش‌بینی شده است. به اعتقاد بانک جهانی رشد کمتر از حد انتظار اقتصادهای توسعه‌یافته، تشدید تنش‌های سیاسی در خاورمیانه، وجود نگرانی بابت کارآمدی سیاست‌های پولی تشویقی در کشورهای توسعه‌یافته و ابراز تمایل سیاستگذاران اقتصادی به اتخاذ سیاست‌های مالی انبساطی در کنار سیاست‌های پولی تردیدهایی در روند بهبود مورد انتظار اقتصاد جهانی ایجاد می‌کند. ضمن اینکه، تحولات بازار جهانی نفت و پایین ماندن سطح قیمت‌ها بهبود چندانی در اقتصاد کشورهای واردکننده نفت حاصل نکرده است. از جمع اقتصادهای نوظهور، هند وضعیت خوبی دارد. برزیل با آهنگ ملایم در حال خروج از حوض اقتصادی است و روسیه نیز به لطف درآمد نفت و گاز در سال‌های آینده با آهنگ سریع‌تری نسبت به برزیل از رکود خارج خواهد شد. نکته مهم در مورد مدل بانک جهانی، تأکید بر نقش قیمت نفت در رشد اقتصادی کشورهای مهم صادرکننده و واردکننده نفت جهان است. طبق پیش‌بینی بانک جهانی قیمت نفت خام برای سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ به ترتیب ۳۲/۵ و ۶/۵ درصد رشد خواهد داشت.

براساس مدل OWEA اوپک، رشد اقتصادی جهان از ۳/۶ متوسط درصد در دوره زمانی ۲۰۱۴-۲۰۲۰ به ۳/۳ متوسط درصد در سال در دوره زمانی ۲۰۳۰-۲۰۴۰ کاهش خواهد یافت. به اعتقاد اوپک به جهت بدهی‌های زیاد دولت و بخش خصوصی در بسیاری از اقتصادهای مهم، بازار کار ضعیف در حوزه



یورو، نرخ رشد ضعیف در ژاپن، کُندی روند افزایش نرخ رشد اقتصادی و تضعیف جریان سرمایه‌گذاری خارجی و مشکلات نهادی در کشورهای در حال توسعه اگرچه چشم‌انداز چندان امیدوارکننده‌ای در کوتاه‌مدت مشاهده نمی‌شود، لکن پیش‌بینی می‌شود نرخ رشد اقتصادی قدری بهبود یابد و به نرخ رشد ۳/۸ درصد تا سال ۲۰۱۸ دست یابد.

براساس بررسی اداره اطلاعات انرژی آمریکا، بهای نفت از ۴۳ دلار که برای سال ۲۰۱۶ برآورد شده است به ۵۳ دلار در هر بشکه افزایش خواهد یافت. اختلال در عرضه نفت برخی کشورها، داده‌های مساعد اقتصادی که سیگنال رشد تقاضا را به دنبال دارند، کاهش مداوم تعداد دکل‌های حفاری فعال در میادین نفتی آمریکا و کاهش تولید نفت این کشور و ادامه کاهش حجم ذخایر تجاری به رشد قیمت‌ها در سال ۲۰۱۷ کمک خواهد کرد. اوپک در سال ۲۰۱۵ به‌طور متوسط روزانه ۳۱/۵ میلیون بشکه نفت تولید کرده که حدود ۸۰۰ هزار بشکه بیشتر از متوسط سال ۲۰۱۴ بوده که عمدتاً توسط عربستان و عراق صورت گرفته است. برای سال ۲۰۱۶ نیز یک رشد تولید ۸۰۰ هزار بشکه‌ای برآورد شده است که نقش اصلی در این زمینه را ایران ایفا می‌کند. اداره اطلاعات انرژی آمریکا معتقد است اوپک سال ۲۰۱۷ نیز رشد ۷۰۰ هزار بشکه‌ای تولید را به ثبت خواهد رساند.

بررسی مطالعات انجام شده درخصوص پیش‌بینی رشد اقتصادی ایران در کوتاه‌مدت در مقایسه با سایر نقاط جهان امیدوارکننده است. در بررسی بانک جهانی، رشد اقتصادی ایران برای سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ به ترتیب ۴/۴، ۴/۹ و ۴/۷ پیش‌بینی شده است که نکته حائز اهمیت آن بالاتر بودن نرخ رشد اقتصادی ایران از متوسط جهان و همچنین متوسط اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه و رقابای منطقه‌ای یعنی ترکیه و عربستان سعودی است.

در بررسی صندوق بین‌المللی پول رشد اقتصادی ایران در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به ترتیب ۳/۹۶ و ۳/۷۴ درصد پیش‌بینی شده است که بالاتر از متوسط رشد اقتصاد جهان، اما پایین‌تر از متوسط اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه است.

علیرغم چشم‌انداز مثبت رشد اقتصاد ایران در کوتاه‌مدت، دورنمای اقتصاد ایران در بلندمدت نگران‌کننده است. به‌طوری که براساس مدل PWC، جایگاه اقتصاد ایران که در سال ۲۰۱۴ برحسب شاخص برابری نرخ ارز در رتبه ۲۳ جهان بوده است، در سال‌های ۲۰۳۰ و ۲۰۵۰ تنزل کرده و در رتبه بیست‌وهفتم و سی‌ام قرار خواهد گرفت. شاید بتوان با توجه به مشکلات ساختاری اقتصاد ایران که عمدتاً ناشی از دولتی بودن و نفت‌زدگی آن است و موجب از دست دادن رتبه اول اقتصاد ایران در منطقه در دهه ۱۳۵۰ شمسی و تنزل به رتبه سوم کنونی این پیش‌بینی را محتمل دانست.

بی‌شک برون‌رفت از دور باطل اقتصادی چند دهه اخیر مستلزم اقدامی اساسی و عاجل با راهبرد درون‌زایی اقتصادی توأم با برون‌نگری و تعامل مؤثر با اقتصاد جهان و بازیگران مهم آن است.

منابع و مأخذ

1. Luis Enriquez, Sven Smit, and Jonathan Ablett . Shifting tides: Global economic scenarios for 2015–25. McKinsey & company . September 2015.
2. Price Waterhouse Coopers. The world in 2050; will the shift in global economic power continue. February 2015.
3. World Bank. "Global Outlook; Divergences and Risks: Global Economic Prospects". June 2016.
4. Baffes, J., A. Kose, F. Ohnsorge, and M. Stocker. 2015. "The Great Plunge in Oil Prices: Causes, Consequences, and Policy Response." Policy Research Note 15/01, World Bank, Washington, DC.
5. IMF. World Economic Outlook; Uncertainty in the Aftermath of the U.K. Referendum. July 2016.
6. OPEC. World Oil Outlook. October 2015.
7. BP, Annual statistical review of world energy, 2016.
8. EIA, International energy outlook, 2016.



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۵۱۶۶

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: چشم‌انداز رشد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و اقتصادهای نوظهور

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان)

تهیه و تدوین: سلیمان قاسمیان

ناظران علمی: سیداحسان خاندوزی، سیدهادی موسوی‌نیک

متقاضی: کمیسیون اقتصادی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی: —



تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۹/۷